

چرا باید این کتاب را بخوانم؟

خداوند به ما توصیه می کند: «به همه چیز بنگرید، به خوبی چنگ بزنید». ممکن است فکر کنید که از قبل تمام حقیقت را در مورد موضوع مورد بحث در این کتاب می دانید و بنابراین نیازی به خواندن آن احساس نمی کنید. با این حال، کلام خدا می فرماید: «قلب انسان فریبنده است. چه کسی او را خواهد شناخت؟ حتی اگر فکر کنیم که از قبل همه چیز را در مورد موضوعی می دانیم، یا حقیقت را در مورد آن داریم، خدا از ما دعوت می کند تا مفاهیم خود را مرور کنیم، زیرا او می داند که بدون دانستن آن ممکن است اشتباه کنیم. عیسی درباره وضعیت روحانی کلیسای خود در روزهای آخر می گوید: «زیرا شما می گوید من ثروتمند و ثروتمند هستم و به هیچ چیز نیازی ندارم و نمی دانید که شما بدبخت، اما بدبخت هستید. فقیر، کور و برهنه.» عیسی می داند که کلیسای روزهای آخر از افرادی تشکیل می شود که اگرچه فکر می کردند حقیقت را دارند، اما اینطور نبود. آنها اشتباه می کردند و نمی دانستند. به همین دلیل در مورد آنها می گوید: «شما هم نمی دانید».

آیا باور داریم که در این روزهای آخر بخشی از کلیسای خدا هستیم؟ آیا شما آن را باور می کنید؟ بنابراین، ما می توانیم بخشی از کسانی باشیم که توسط عیسی توصیف شده است - فریب خورده و "حتی نمی دانند". بنابراین، ما دلیل خوبی برای خواندن این کتاب داریم و ببینیم آیا اعتقاد ما در برابر آزمون کتاب مقدس است یا خیر. بیایید به توصیه الهی توجه کنیم: «به همه چیز نگاه کن، به خوبی چنگ بزن».

آیا باید از مطالعه الوهیت بترسیم؟

هرکسی که مدتی کلام خدا را خوانده باشد یا در مراسم کلیسا شرکت کرده باشد، ممکن است و به احتمال زیاد تصویری شخصی از اینکه خدا کیست یا چند نفر الوهیت را تشکیل می دهند، داشته باشد. همچنین ممکن است به دلیل اعتقادی که دارند ترس خاصی داشته باشند و چرا نگوئیم ترس از مطالعه این مبحث از ترس گناه به خدا. این ترس می تواند به دلایل مختلفی ایجاد شود. ما قصد نداریم در این بخش به همه آنها بپردازیم، اما می خواهیم به برخی از رایج ترین ایرادات وارده به مطالعه این موضوع بپردازیم.

### گناه علیه روح القدس

بسیاری، احتمالاً اکثریت قریب به اتفاق مسیحیان، بر این باورند که روح القدس یک خدا، بخشی از "ثلیث مقدس الهی" است. بنابراین، از ترس ارتکاب گناه علیه روح القدس، از مطالعه هر مطلبی که به «شخص» و کار او مربوط می شود، می ترسند.

زیرا طبق کتاب مقدس، این گناه نابخشودنی است:

«به راستی به شما می گویم، همه چیز برای پسران انسان، گناهان و کفرهایشان آمرزیده خواهد شد. اما هر که به روح القدس کفر گوید، تا ابد بخشیده نمی شود، زیرا او مرتکب گناه ابدی است.» مرقس 3:28، 29

با این حال، هنگامی که بفهمیم گناه علیه روح القدس چیست، این ترس ناپدید می شود. چرا عیسی گفت که هر کسی که به روح القدس کفر می گوید نمی توان بخشیده شد؟ آیه ذیل آیه فوق توضیح می دهد:

این به خاطر آن است که گفتند: او دارای روح ناپاک است. مرقس 3:30

فریسیان گفتند که عیسی هنگامی که معجزات خود را انجام داد توسط روح ناپاک (دیو) تسخیر شد. ما می دانیم که عیسی به قدرت خدا معجزات انجام داد (اعمال رسولان 2:22) فریسیان با گفتن اینکه عیسی آنها را با قدرت شیطان انجام داد، کار روح خدا را به شیطان نسبت می دادند. اما آنها این کار را از روی جهل انجام ندادند، زیرا شواهد قانع کننده ای داشتند که آثار عیسی با کتاب مقدس هماهنگ است.

این روح القدس است که خدا به «گناه» یوحنا 16:8 محکوم می کند. فریسیان با نسبت دادن کار روح خدا به شیطان، عمداً وسابلی را که خدا می توانست آنها را به گناه محکوم کند، رد می کردند. هیچ وسیله دیگری جز روح وجود نداشت که به وسیله آن خداوند آنها را به سوی توبه هدایت کند. فریسیان با رد وسایل ارائه شده توسط خدا، از گناهان خود توبه نمی کردند و بنابراین نمی توانستند بخشیده شوند. به همین دلیل بود که گناه او نابخشودنی بود. گناه فریسیان این بود که داوطلبانه کار روح القدس را به شیطان نسبت دادند. عیسی گفت که آنها پس از انجام این کار علیه روح القدس گناه کردند. بسیاری می دانند که گناه کردن علیه روح القدس، انکار «شخص» یا «الوهیت» او است. اما در اینجا دیدیم که طبق کلام خدا اینطور نیست.

انکار خدا - اعمال رسولان 4، 3، 5

ترس دیگری که بسیاری دارند، انکار خدا با زیر سؤال بردن «الوهیت» روح القدس است. متن اصلی که آنها را به این گونه فکر می کند در اعمال رسولان 5 یافت می شود:

«آنگاه پطرس گفت: حنانیا، چرا شیطان قلب تو را پر کرده است که به روح القدس دروغ بگویی و بخشی از ارزش مزرعه را کنار بگذاری؟ ... به مردان دروغ نگفتی، بلکه به خدا دروغ گفتی.» اعمال رسولان 4، 3، 5

بسیاری بر اساس متن بالا مقایسه زیر را انجام می دهند:

حنانیا وقتی به روح القدس دروغ گفت به خدا هم دروغ گفت. پس روح القدس خداست. با این حال، این منطق، اگرچه ممکن است تا حدی معقول باشد، با حقیقتی که نویسنده کتاب اعمال رسولان تعلیم داده است، و یا با تعالیم پولس مطابقت ندارد. ببینید آنها در فصل 20 می گویند روح القدس کیست:

«مواظب خود و تمام گله‌ای باشید که روح القدس شما را بر آن‌ها سرپرست قرار داده است تا کلیسای خدا را که با خون خود خریده است، شبانی کنید.» اعمال رسولان 20:28

نویسنده کتاب اعمال رسولان و پولس رسول که کلمات آیه فوق را بیان کرد، تأیید می کنند که روح القدس کسی است که کلیسا را با خون خود خرید.

این کیست که خون خود را برای ما ریخت؟ ما می دانیم که چگونه عیسی باشیم. نویسنده کتاب اعمال رسولان هنگام گفتن «روح القدس» در این قسمت به عیسی اشاره داشت. وقتی اصطلاح «روح القدس» را در هر جایی از کتاب اعمال رسولان می خوانیم، نویسنده انتظار دارد که همان درک او را داشته باشیم - این عیسی بود که کلیسا را با خون خرید.

خون آنچه متن به ما می گوید این است که حنانيا، اگرچه فکر می کرد به پطرس دروغ می گوید، در حقیقت به عیسی و خدا دروغ می گفت. این خدا از طریق عیسی بود که دروغ حنانيا را به پطرس فاش کرد. و حنانيا هم به او و هم به عیسی دروغ گفت. این وضعیت اصل وحی خداوند را نشان می دهد. او مکاشفه را به عیسی می دهد و او نیز آن را برای مردم می فرستد. این اصل در مکاشفه 11 ارائه شده است:

«مکاشفه عیسی مسیح، که خدا به او داد تا چیزهایی را که باید به زودی اتفاق بیفتد به بندگان نشان دهد» آپوک. 1:1.

به ترتیب توجه کنید:

(1) خداوند - به:

(2) عیسی - که خود را نشان می دهد

(3) خدمتکاران (در مورد اعمال رسولان، 5-خادم پطرس بود).

حنانيا فکر می کرد که به بنده (پطرس) دروغ می گوید، اما نمی دانست که به عیسی (روح القدس) و به خدایی که از طریق عیسی مکاشفه را داده است، دروغ می گوید.

واضح است که واژه روح القدس به عیسی اشاره دارد، نه فقط به متن اعمال رسولان. پولس به مؤمنان قرن بیستم اعلام کرد که این همان چیزی است که او معتقد است:

«زیرا حتی تا امروز که عهد قدیم را می خوانند، همان حجاب باقی می ماند و برایشان آشکار نمی شود که در مسیح برداشته شده است. اما امروز هم که حضرت موسی خوانده می شود، حجاب بر دل هایشان می نشیند. اما هنگامی که یکی از آنها به سوی خداوند گروید، حجاب از آنها برداشته می شود. اکنون خداوند روح است.» دوم قرنتیان 17-14: 3

پولس گفت که وقتی هر یک از یهودیان به مسیح، خداوند گرویدند، پرده از او برداشته شد. سپس تأیید می کند که این خداوند، مسیح، روح است. متن واضح است.

### تسلی دهنده روح القدس

دیدیم که پولس معتقد بود که عیسی مسیح روح القدس است. کلام خدا اعلام می کند که پولس این حقیقت را از مردم نیاموخته، بلکه از خود عیسی یاد گرفته است:

«اما ای برادران، به شما اطلاع می دهم که انجیلی که من موعظه کردم بر اساس انسان نیست، زیرا آن را از انسان نگرفتم و یاد نگرفتم، بلکه از طریق مکاشفه عیسی مسیح.» گال. 12، 11:1

ما می دانیم که عیسی با تعالیم خود در تضاد نیست. هنگامی که او هنوز روی زمین بود، درباره کار روح القدس صحبت کرد و او را «تسلی دهنده» نامید:

«و من از پدر دعا خواهم کرد و او یاور دیگری به شما خواهد داد تا تا ابد با شما باشد، روح راستی که جهان نمی تواند او را بپذیرد، زیرا نه او را می بیند و نه می شناسد. شما او را می شناسید، زیرا او با شما ساکن است و در شما خواهد بود.» یوحنا 17، 14:16

توجه داشته باشید که عیسی به شاگردان گفت که آنها از قبل تسلی دهنده، روح حقیقت را می شناختند و دلیل آن را بیان می کند:

"شما او را می شناسید، زیرا او با شما ساکن است و در شما خواهد بود." یوحنا 14:17

چه کسی سه سال و نیم با شاگردان زندگی کرده بود؟ عیسی کسی بود که با آنها زندگی می کرد. عیسی برای شاگردانش روشن کرد که وقتی از تسلیت دهنده صحبت می کرد، از خودش صحبت می کرد. سخنان عیسی زیر این عقیده را تقویت می کند:

«من شما را یتیم نمی گذارم، نزد شما خواهم آمد.» یوحنا 14:18

در جمله بالا، عیسی به شاگردان روشن کرد که او کسی است که به عنوان تسلی دهنده باز خواهد گشت. اما هنوز هم ممکن است فکر کنیم که عیسی به آمدن دوم خود اشاره می کند. عیسی برای جلوگیری از رسیدن شاگردان به چنین نتیجه ای، ادامه می دهد:

"اما برای مدتی کوتاه، و جهان دیگر مرا نخواهد دید. اما تو مرا خواهی دید؛ چون من زنده ام، تو هم زنده خواهی بود." یوحنا 14:19

کتاب مقدس اعلام می کند که وقتی عیسی برای بار دوم به زمین می آید، «هر چشمی او را خواهد دید.» (مکاشفه 1:7) این شامل همه افراد در جهان می شود. اما عیسی هنگام صحبت از آمدن تسلی دهنده گفت که «جهان دیگر مرا نخواهد دید. اما تو مرا خواهی دید.» بدیهی است که عیسی به دومین آمدن خود به زمین اشاره نمی کرد، بلکه به آمدنش به عنوان یک تسلی دهنده اشاره می کرد. زمانی که فقط ایمانداران او را پذیرفتند. برخی بر این باورند که چون عیسی گفت که تسلی دهنده «دیگری» را می فرستد، منظور او شخص دیگری بود و نه خود او. «دیگری» به خودش اشاره کرد. عیسی غالباً خود را در سوم شخص مفرد ذکر می کند. او به جای گفتن "من" از خود به عنوان شخص دیگری صحبت کرد. چند نمونه را ببینید:

«و چون از کوه پایین آمدند، عیسی به آنها امر کرد که رؤیا را به کسی نگوئید تا پسر انسان از مردگان برخیزد.» متی 17:9

زیرا همانطور که یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی بزرگ بود، پسر انسان نیز سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود. متی 12:40

«این اتفاق افتاد که در حالی که آنها صحبت می کردند و بحث می کردند، خود عیسی نزدیک شد و با آنها رفت. اما چشمانشان انگار از شناختن او منع شده بود... سپس عیسی به آنها گفت: ای احمقان و دیر دل که هر چه پیامبران گفته اند را باور کنید!

آیا شایسته نبود که مسیح رنج بکشد و به جلال خود وارد شود؟ و از موسی شروع کرد و تمام انبیا را مرور کرد و آنچه را که در تمام کتب مقدس درباره او گفته شده بود برای آنها توضیح داد.» لوقا 24:15، 16، 26، 27

«پسر انسان» و «مسیح» که توسط عیسی در متون بالا ذکر شده چه کسانی بودند؟ خودش؛ اما او طوری صحبت می کرد که گویی شخص دیگری است. این روشی بود که در مورد عیسی صحبت می کردیم تا جلال را به سوی او جلب نکنیم، این شایسته تقلید ماست. همین امر در مورد یوحنا 14:16 در مورد تسلی دهنده صادق است. مسیح از خودش طوری صحبت می کند که انگار مال شخص دیگری است

شخص (از این رو دلیل استفاده از کلمه "دیگر"). هر کسی که مسیح را بشناسد و با نحوه صحبت او آشنا باشد، می داند که او درباره خودش صحبت می کرد.

راحت است که چیزهای بیشتری در مورد Comforter بدانیم. ما می دانیم که او عیسی است، اما آیا او شخصاً عیسی خواهد بود یا نه؟ بیایید با دقت سخنان عیسی را خطاب به شاگردانش بخوانیم:

تسلی دهنده... شما او را می شناسید، زیرا او با شما ساکن است و در شما خواهد بود. یوحنا 17، 14:16

تسلی دهنده کجا خواهد بود؟ در درون شاگردان پس از بازگشت به بهشت، مسیح شخصاً در بهشت خواهد بود و به عنوان کاهن و واسطه انسان ها عمل می کند. رسولان این را می دانستند، به طوری که پولس نوشت:

«اکنون ماهیت چیزهایی که گفتیم این است که ما چنین کاهن اعظمی داریم که در سمت راست تخت عظمت در آسمانها به عنوان خادم قدس و خیمه حقیقی که خداوند می نشیند. برپا شده است، نه انسان... زیرا مسیح به عبادتگاهی که با دست ساخته شده بود، که نوعی از مقدس است، وارد نشد، بلکه به خود آسمان وارد شد تا اکنون برای ما در حضور خدا ظاهر شود. 9:24  
8:1,2;

مسیح در حالی که شخصاً در بهشت بود تا برای مردم شفاعت کند، به وسیله روح خود در قلب مؤمنان ساکن می شد. تسلی دهنده مسیح است، بله، اما نه شخصاً، بلکه به عنوان روح مسیح. این دقیقاً همان چیزی بود که پولس فهمید:

"و چون شما پسر هستید، خدا روح پسر خود را در قلب ما فرستاد" Gal. 4:6

«و اگر کسی روح مسیح را ندارد، از او نیست.» رام 8:9

مسیح از طریق روح خود در قلب ایمانداران ساکن خواهد شد. روح اراده های خودخواهانه را تسلیم می کند و همه افکار را تسلیم مسیح می کند. پولس با دریافت روح مسیح، تسلی دهنده، در قلب خود بود که می توانست بگوید: «من دیگر زنده نیستم، بلکه مسیح در من زندگی می کند». 2:20

معنای کتاب مقدس کلمه "روح" چیست؟

ادیان بت پرستان باستان و معنویت گرایی می آموزند که روح موجودی مستقل از بدن شخصی است که با آن ارتباط دارد. با این حال، این تعریف کتاب مقدس از کلمه "روح" نیست. این کلمه که از اصل به عنوان "روح" ترجمه شده است نیز به معنای "نفس"، باد است. در یوحنا 20، این به وضوح آموزش داده شده است:

عیسی دوباره به آنها گفت: درود بر شما! همانطور که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم. و چون این را گفت، بر آنها دمید و به آنها گفت: روح القدس را دریافت کنید. یوحنا 22، 20:21

عیسی بر شاگردان دمید و گفت: روح القدس را دریافت کنید. برای شاگردان روشن بود که روح القدس مانند نفس عیسی است و نه یک شخص

مستقل از بدن، همانطور که معنویت می گوید. کتاب مقدس تعریف دقیقی از ماهیت این نفس (از چه چیزی ساخته شده است) به ما نمی دهد، اما به ما می گوید که ایمانداران را نسبت به گناه، عدالت و قضاوت متقاعد می کند (یوحنا، (16:8 زندگی انسان ها را هدایت و هدایت می کند. ایمانداران (اعمال رسولان، (7:16 انسانها را برای انجام کار خدا توانمند می سازد (اول قرنطیان، (7-10: 7: امیال شیطانی ما را تسخیر می کند (غلاطیان، (5: 16: و زندگی ما را متحول می کند (غلاطیان، (22، 23: 5: به عبارت دیگر، آنچه را که باید درباره او بدانیم برای ما آشکار می کند.

### روح خدا و روح مسیح

قبلاً دیدیم که روح مسیح روح تسلی دهنده است که او بر شاگردان دمید. با این حال، گاهی اوقات اصطلاح «روح خدا» را در کتاب مقدس می خوانیم:

«اما شما در جسم نیستید، بلکه در روح هستید، اگر واقعاً روح خدا در شما ساکن است. و اگر کسی روح مسیح را ندارد، از او نیست. ... اگر روح آن کسی که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن است، او که مسیح عیسی را از مردگان برخیزانید، به وسیله روح خود که در شما ساکن است، اجساد فانی شما را نیز زنده خواهد کرد.» رومیان 8: 9، 11

متن بالا به وضوح از یک "روح" پدر، که مسیح را از مردگان برخیزانید، و دیگری "روح" مسیح را ذکر می کند. آیا آنها دو روح متفاوت خواهند بود یا این روح یکسان خواهد بود که بین هر دو مشترک است؟ عیسی در یوحنا 15:26 این موضوع را روشن می کند:

"اما هنگامی که یاور که او را از جانب پدر نزد شما می فرستم، بیاید، روح راستی که از او می آید." یوحنا 15:26

عیسی گفت که روح تسلی دهنده، روح او که او می فرستد، از جانب پدر آمده و از پدر بیرون آمده است، بدیهی است که روح تسلی دهنده نیز روح خداست. چگونه عیسی می تواند روح پدر را برای ما بفرستد؟ اجازه دهید در اعمال رسولان بخوانیم:

«این عیسی را خدا برانگیخت که همه ما شاهد آن هستیم. پس به دست راست خدا تعالی یافت، و وعده روح القدس را از پدر دریافت کرد، آنچه را که می بینید و می شنوید، بیرون ریخت.» اعمال رسولان 33، 32: 2

«چگونه خدا عیسی ناصری را به روح القدس و با قدرت مسح کرد که همه جا رفت و نیکی کرد و همه ستمدیدگان ابلیس را شفا داد، زیرا خدا با او بود» اعمال رسولان 10:38

کتاب مقدس اعلام می کند که عیسی روح القدس را از پدر دریافت کرد. خدا عیسی را با روح خود مسح کرد و سپس عیسی توانست آن را دمیده و بر شاگردان بریزد. بدیهی است که روح خدا و روح مسیح یکی هستند، همانطور که عیسی روح خدا را دریافت کرد. خود عیسی گفت که چیزهای پدر از آن اوست:

«وقتی عیسی این سخنان را گفت، چشمان خود را به آسمان بلند کرد و گفت: «ای پدر، ساعت فرا رسیده است. پسر خود را جلال بده تا پسر تو را جلال دهد... همه چیز من از آن توست و چیزهای تو از آن من است.» یوحنا 10، 1: 17

بنابراین، روحی که عیسی دارد، روح پدر است.

"تنها یک بدن و یک روح وجود دارد" افسسیان 4:4

یک روح پدر و دیگری از پسر وجود ندارد. هر دو یکی هستند. سپس می بینیم که برابری درست است:

روح خدا = روح مسیح (فقط 1 روح).

آیا روح القدس یک شخص است؟

شاگردان نفهمیدند که روح القدس یک شخص است. آیا باید چنین مفهومی را بپذیریم؟ بیایید کلام خدا را جستجو کنیم:

«این عیسی را خدا برانگیخت که همه ما شاهد آن هستیم. پس به دست راست خدا تعالی یافت، و وعده روح القدس را از پدر دریافت کرد، آنچه را که می بینید و می شنوید، بیرون ریخت.» اعمال رسولان ۳۳، ۲:۳۲

قسمت بالا در مورد ریزش روح القدس بر شاگردان در پنطیکاست صحبت می کند. دو کلمه کلیدی در آن وجود دارد که به ما کمک می کند تشخیص دهیم که آیا روح القدس مسیح در اینجا به عنوان یک شخص ارائه شده است یا نه: آنها عبارتند از: "ریخته شده" و "این".

متن بیان می کند که مسیح روح القدس را بر شاگردان «ریخت». می توانیم روی کسی آب، روغن، شیر و غیره بریزیم. اما آیا می توانیم یک نفر را بریزیم؟ غیر ممکن نیست. بدیهی است که روح القدس که بیرون ریخته شد یک شخص نبود. حتی نمی تواند باشد، زیرا چگونه می توان یک نفر را روی 120 نفر «ریخت»، همانطور که در پنطیکاست اتفاق افتاد؟

در این قطعه، رسول همچنین با اشاره به روح القدس بیان می کند که عیسی «این» را که می بینید بیرون ریخت. آیا می توان از کلمه "این" برای اشاره به یک شخص استفاده کرد؟ بیایید ببینیم: آیا دوست دارید کسی در هنگام اشاره به شما بگوید: پس "این" به سراغ ما آمد؟ ممکن است حتی احساس توهین کرده باشید، درست است؟ کلمه «این» برای اشاره به اشیاء و اشیاء غیرشخصی به کار می رود، اما هرگز به یک شخص. استفاده رسول از کلمه "این" برای اشاره به روح القدس مسیح نشان می دهد که او یک شخص نیست. اگر خدایی بود، رسول اینقدر نسبت به او بی احترامی نمی کرد.

علاوه بر این، ما به یاد داریم که نمادهای روح القدس ارائه شده در کتاب مقدس - آب (یوحنا 7:37-39) روغن (زک. 4:2-6) همیشه شبیه چیزی بدون شکل است. آنها هرگز کسی را به یاد نمی آورند.

ویژگی های شخصی روح القدس

در جاهای مختلف کتاب مقدس، به اعمال شخصی منتسب به روح القدس اشاره می‌کنیم. ما قسمت‌هایی را می‌یابیم که در آنها گفته شده است که روح ناله می‌کند، شفاعت می‌کند، غمگین می‌شود، صحبت می‌کند و غیره. منظورشون چیه؟ پس از تجزیه و تحلیل برخی از آنها درک آن دشوار نیست. کتاب مقدس مقایسه‌ای بین روح انسان و روح خدا ارائه می‌دهد که به ما درک آنها کمک می‌کند. بیایید سعی کنیم این مقایسه و همچنین نحوه اشاره کتاب مقدس به روح انسان را به خوبی درک کنیم. سپس درک بخش‌هایی که ویژگی‌های شخصی مرتبط با روح القدس را ارائه می‌دهند آسان خواهد بود:

«زیرا کدام انسان چیزهای انسان را می‌داند، مگر روح خود که در اوست؟ همچنین چیزهای خدا را هیچ کس جز روح خدا نمی‌داند.» اول قرن‌تینان 2:11

قبلاً دیدیم که روح انسان موجودی مستقل از او نیست. بنابراین، کلمه "روح" استفاده شده در بالا به این اشاره ندارد. مطالعه دقیق نشان می‌دهد که کلمه "روح" برای اشاره به ذهن انسان به کار می‌رود.

پنج آیه بعد، نویسنده نامه به قرن‌تینان تأیید می‌کند که منظور او این بود، زیرا می‌گوید: «زیرا چه کسی فکر خداوند را می‌شناسد که بتواند او را تعلیم دهد؟ اما ما ذهن مسیح را داریم.» اول قرن‌تینان 2:16

در واقع با جایگزینی کلمه «روح» با «ذهن» در متن بالا، می‌بینیم که متن واضح می‌شود:

«زیرا کدام انسان چیزهای انسان را می‌داند، جز روح خود (ذهن خود) که در اوست؟ همچنین چیزهای خدا را هیچ کس جز روح خدا نمی‌داند.» اول قرن‌تینان 2:11

با درک معنای کلمه «روح» که در این متن به انسان اشاره شده است، به راحتی می‌توان معنای آن را هنگامی که در مورد خداوند به کار برد، در همان آیه درک کرد، همانطور که خود متن توضیح می‌دهد:

«زیرا کدام انسان چیزهای انسان را می‌داند، مگر روح خود که در اوست؟ همچنین چیزهای خدا را هیچ کس جز روح خدا نمی‌داند.» اول قرن‌تینان 2:11

همانطور که هیچ کس چیزهای انسان را جز ذهن خود نمی‌داند، همچنین چیزهای خدا را نیز جز «روح»، یعنی ذهن خدا، نمی‌داند. پنج آیه بعد، نویسنده تأیید می‌کند که این دقیقاً همان چیزی است که او می‌خواست ما بفهمیم:

"زیرا چه کسی فکر خداوند را شناخته است تا بتواند او را تعلیم دهد؟" اول قرن‌تینان 2:16

بدیهی است که کلمه «روح» به معنای مجازی (در این مورد نشان دهنده «ذهن») به کار رفته است. این تنها قسمتی نیست که در آن این اتفاق می‌افتد. دیگران را ببینید

موارد:

«... آخاب ناراضی و خشمگین به خانه او آمد... اما چون ایزابل، همسرش نزد او آمد، به او گفت: این چیست که اینقدر از روح خود ناراضی هستی و نان نمی‌خوری؟ لول، پادشاهان 21:5



شاه آخاب احساس انزجار می کرد و افکار انزجاری در سر داشت. تعبیر «روح شما غمگین است» نشان می دهد که او در ذهنش اندوهگین بوده است.

یحیی نبی با اشاره به این که ذهن او در رؤیا گرفته شده است، می فرماید که او در «روح» است:

"من در روز خداوند در روح بودم و از پشت سر خود صدای بلندی مانند شیپور شنیدم که می گفت: آنچه می بینی (ذهن او در بینایی بود) در کتابی بنویس" Apoc. 1:10, 11

و پولس به مؤمنان نوشت:

"فیض خداوند عیسی مسیح با روح (ذهن) شما باد." فیلیمون 1:25

قبلاً دیدیم که کتاب مقدس از کلمه «روح» برای اشاره به ذهن انسان استفاده می کند. با این حال، آیات متعددی را می یابیم که به «روح» انسان اشاره می کند و اعمال شخصی را به او نسبت می دهد. مثالی را ذکر می کنیم:

«زیرا اگر به زبان غریب دعا کنم، روحم خوب دعا می کند، اما فهم من بی ثمر است.» اول قرنتیان 14:14

پولس با اشاره به این واقعیت که ذهنش دعا می کند گفت که روح او دعا می کند. توجه داشته باشید که اگرچه این عمل در آیه به «روح» پولس نسبت داده شده است، اما فهمیده می شود که عمل در واقع «مالک» روح، در این مورد، پولس بوده است. بیابید به مثال دیگری نگاه کنیم:

«به همین دلیل ما احساس آرامش کردیم. و بالاتر از این تسلی ما، برای رضایت تیتوس که روحش توسط همه شما بازآفرینی شد، بسیار بیشتر خوشحالیم.» دوم قرنتیان 7:13

اگرچه گفته می شود که «روح» تیتوس بازآفرینی شد، اما می دانیم که متن به این واقعیت اشاره دارد که خود تیتوس بازآفرینی شده است. وقتی دیگر متون مشابه این متن را در کتاب مقدس تجزیه و تحلیل می کنیم، می بینیم که، به عنوان یک قاعده، وقتی کتاب مقدس کلمه «روح» را مرتبط با یک عمل شخصی ارائه می دهد، پیشنهاد می کند که عمل باید به صاحب روح نسبت داده شود. ، و نه به "روح". برای روشن تر شدن این مفهوم، یک مثال آخر را نیز ذکر می کنیم:

«در سال دوم سلطنت نبوکدنصر خوابی دید. روحش پریشان شد و خوابش از بین رفت. ... پادشاه به آنها گفت: خوابی دیدم و روحم از دانستن آن آشفته است. دان 2:1، 3

توجه داشته باشید که در متن بالا با اشاره به این که نبوکدنصر در ذهنش پریشان بود، نوشته شده است که روح او پریشان است. عمل منسوب به «روح» در متن را باید به عنوان متعلق به صاحب روح درک کرد. وقتی بیشتر تحقیق می کنیم، در می یابیم که همین مطلب در مورد قسمت هایی که اعمال شخصی را به «روح» خدا نسبت می دهند، صادق است. همانطور که کتاب مقدس اعمال شخصی منسوب به روح انسان را ارائه می دهد، با اشاره به اعمال خود انسان، اعمال را نیز ارائه می دهد.

ویژگی های شخصی که یا به روح خدا یا روح عیسی مسیح نسبت داده می شود و به اعمالی که توسط خدا و عیسی انجام می شود اشاره دارد. بیایید چند نمونه را تحلیل کنیم:

- رومیان 8:26

روح همچنین در ضعف ما به ما کمک می کند. زیرا نمی دانیم چگونه آن طور که باید دعا کنیم، اما خود روح با ناله های غیرقابل بیان برای ما شفاعت می کند.» رومیان 8:26

در متن بالا، پولس بیان می کند که «روح» برای ما شفاعت می کند. طبق قاعده کتاب مقدس، عمل باید به عنوان متعلق به شخص صاحب روح درک شود. در این مورد، شخص مسیح است، زیرا او تنها شفیع بین خدا و انسان است. می بینیم که این قاعده درست است، زیرا خود پولس در متن قسمت بالا (7) آیه پیش رو) روشن می کند که این مسیح است که برای ما شفاعت می کند:

«این مسیح عیسی است که مرد، یا بهتر است بگوییم که دوباره زنده شد، که در دست راست خداست و همچنین برای ما شفاعت می کند.» رومیان 8:34

مقایسه کنید: "روح خود برای ما شفاعت می کند" روم. = 8:26 "این مسیح عیسی است که برای ما شفاعت می کند" روم. 8:34.

- من پد. 1:2

«بر اساس علم پیشین خدای پدر، در تقدیس روح، برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح انتخاب شده‌اید، فیض و سلامتی بر شما زیاد شود.» من حیوان خانگی. 1:2

اصطلاح «تقدیس روح» نشان می دهد که «روح» عمل تقدیس را انجام می دهد. باز هم، فقط از قاعده کتاب مقدس پیروی کنید و عمل را به صاحب روح نسبت دهید، و ما درک هماهنگی با کتاب مقدس خواهیم داشت. کسی که روح را می فرستد که ما را تقدیس می کند عیسی مسیح است. بنابراین عمل "تقدیس" که در آیه بالا توضیح داده شد باید به عیسی نسبت داده شود. اوست که ما را تقدیس می کند. این با مکاشفه کتاب مقدس مطابقت دارد -

نگاه کن:

«عیسی به خاطر رنج مرگ تاج جلال و افتخار بر سر نهاد تا به فیض خدا مرگ را برای هر انسانی بچشد. ... زیرا هم او که تقدیس می کند و هم آنهایی که تقدیس می شوند همه از یک می آیند. بنابراین، او شرم ندارد که آنها را برادر خطاب کند.» عبرانیان 2:11

متن بالا نشان می دهد که عیسی، کسی که از برادر خواندن ما خجالت نمی کشد، کسی است که ما را تقدیس می کند. بنابراین واضح است که ما متن اول پطرس 1:2 را به درستی درک می کنیم. عیسی روح «تقدیس کننده» است که در این قسمت ذکر شده است.

«همگی از روح القدس پر شدند و به زبان‌های دیگر سخن گفتند، چنانکه روح به آنها گفت.» اعمال رسولان 2:4

متن بالا گزارش می‌دهد که شاگردان مسیح عطای زبانها را دریافت کردند، «همانطور که روح به آنها عطا کرد». با اعمال قاعده کتاب مقدس، می‌بینیم که عمل هدیه دادن، که در متن به روح نسبت داده شده است، عملی است که توسط صاحب روح انجام می‌شود (در این مورد مسیح است که روح را در پنطیکاست برای ایمانداران فرستاد). این درک با مکاشفه کتاب مقدس هماهنگ است، زیرا کلام اعلام می‌کند که این مسیح است که به انسان‌ها هدایایی می‌دهد:

«و فیض به هر یک از ما به نسبت عطای مسیح داده شد. از این رو می‌فرماید: چون به عروج رفت، اسیری را به اسارت برد و به مردان هدیه داد. افسسیان 7، 8:4

توجه داشته باشید که چه کسی به مردان هدایایی داد: «مسیح ... به مردان هدیه داد» افس. 8، 7:4

-افسسیان 4:30

«و روح خدا را که به وسیله او برای روز رستگاری مَهر شدی، اندوهگین مکن.»  
افسسیان 4:30

متن بالا گزارش می‌دهد که «روح خدا» غمگین است، با اشاره به این واقعیت که خود خدا غمگین است، دقیقاً همانطور که در دانیال فصل 2 نوشته شده است که «روح نبوکدنصر» آشفته شد تا به این معنی باشد که او آشفته شده است. بر اساس قاعده کتاب مقدس، عمل غمگینی باید به صاحب روح، در این مورد خدا، نسبت داده شود.

-اعمال رسولان 4، 3:5

«آنگاه پطرس گفت: حنانيا، چرا شیطان قلب تو را پر کرده است که به روح القدس دروغ بگویی و بخشی از ارزش مزرعه را کنار بگذاری؟ ... به مردان دروغ نگفتی، بلکه به خدا دروغ گفتی.» اعمال رسولان 4، 3:5

اگرچه به طور خاص عملی را به کلمه «روح» نسبت نمی‌دهد، اما این متن را می‌توان به روشی مشابه متن‌های قبلی فهمید. می‌گویند حنانيا به روح القدس دروغ گفته است. با توجه به قاعده کتاب مقدسی که دیدیم، فهمیده می‌شود که حنانيا به صاحب روح، در این مورد خود خدا، دروغ گفته است، زیرا گفته می‌شود: «به مردم دروغ نگفتی، بلکه به خدا». این با مکاشفه کتاب مقدس هماهنگ است - اجازه دهید بخوانیم:

«و اینکه در این زمینه هیچ کس برادر خود را آزار ندهد یا فریب ندهد. زیرا خداوند در برابر همه این چیزها، همانطور که قبلاً به شما هشدار دادیم و به وضوح شهادت دادیم، انتقام‌گیرنده است، بنابراین، هر که این چیزها را رد کند، انسان را رد نمی‌کند، بلکه خدا را که روح القدس خود را نیز به شما می‌دهد.» من. تز. 8، 6:4

حنانیا سعی کرد با در نظر گرفتن بخشی از ارزش مزرعه ای که فروخته بود، برادران ایمانی خود را فریب دهد. او توصیه خداوند را رد کرد تا برادران خود را فریب ندهد. متن بالا می گوید هر کس این توصیه را رد کند مردان را رد نمی کند، بلکه خدا را رد می کند. پطرس، در اعمال رسولان 5، این آموزه کتاب مقدس را به حنانیاس استناد کرد - که با تلاش برای فریب دادن او و سایر برادران، دریغ کردن بخشی از ارزش از فروش مزرعه، به مردم دروغ نمی گفت، بلکه به خدا دروغ می گفت.

ما درک می کنیم که مثال های بالا برای اثبات قاعده کتاب مقدس کافی است. تمام متون دیگری که اعمال شخصی را به "روح" خدا و مسیح نسبت می دهند، مانند صحبت کردن، غمگین بودن و غیره، با به کارگیری قاعده کتاب مقدسی که در این فصل مطالعه کردیم، به راحتی توضیح داده می شوند. اعمال همیشه باید به صاحب روح - خدا یا مسیح - نسبت داده شود.

#### تعمید در متی 28:19

"پس بروید و همه امتها را شاگرد کنید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید" متی 28:19

هدف ما در این فصل صرفاً تحلیل نقل قول بالا از منظر آنچه در رابطه با روح القدس می گوید است. در اینجا به اعتبار یا اختیار آن برای تعیین روش صحیح تعمید پرداخته نخواهد شد. در ادامه این کتاب این کار را انجام خواهیم داد.

فعلاً می خواهیم دو نکته در مورد این نقل قول را تحلیل کنیم:

1- متی 28:19 ثابت می کند که روح القدس یک شخص است؟

می خوانیم که این آیه می گوید: «آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید.» توجه می کنیم که او نمی گوید روح القدس یک شخص است - در واقع حتی کلمه "شخص" در آیه وجود ندارد - او فقط دستور تعمید به نام روح القدس را می دهد. آیا می توان نتیجه گرفت که چون آیه می گوید «تعمید آنها به نام روح القدس»، می گوید روح القدس یک شخص است؟ می دانیم که انجام عملی به نام چیزی، شخص بودن آن را ثابت نمی کند. مثالی می زنیم: «شما به نام قانون دستگیر شده اید». قانون یک شخص نیست، اما یک عمل "کسی را دستگیر کنید" می تواند به نام او انجام شود. همانطور که دستگیری کسی به نام قانون ثابت نمی کند که قانون یک شخص است، غسل تعمید کسی به نام روح القدس نیز ثابت نمی کند که او یک شخص است. پس می بینیم که متی 28:19 همانطور که در کتاب مقدس ما نوشته شده است، ثابت نمی کند که روح القدس یک شخص است.

2 - متی 28:19 ثابت می کند که روح القدس خداست؟

همچنین آیه نمی گوید که روح القدس خداست. در حقیقت کلمه «خدا» حتی در آیه نیامده است. بنابراین، اگرچه از «پدر و پسر و روح القدس» یاد می کند، اما حتی برای اثبات خدا بودن پدر نیز آیه روشنی نخواهد بود، زیرا اگرچه نام پدر را ذکر می کند، اما نمی گوید که او خداست. قبلاً دیدیم که این آیه دستور تعمید به نام روح القدس را نیز می دهد حتی ثابت نمی کند که او یک شخص است؛ در مورد اثبات اینکه این یک خداست چطور؟

3 - آیا این واقعیت که روح القدس با پدر و پسر در این آیه ذکر شده است به ما احساس برابری بین این سه نمی دهد؟

وقتی کتاب مقدس را تجزیه و تحلیل می کنیم، می بینیم که این واقعیت که این سه نام با هم ذکر شده اند، حتی پسر را با پدر برابری نمی دهد، همانطور که خود عیسی می گوید:

«اگر مرا دوست می داشتید، از اینکه نزد پدر می روم خوشحال می شوید، زیرا پدر از من بزرگتر است.»  
یوحنا 14:28

عیسی به صراحت گفت که پدر بزرگتر از خودش است. بنابراین بدیهی است که این حقیقت که او همراه با پدر در متی 28:19 ذکر شده است او را با پدر برابر نمی کند. روح در این آیه؟ اگر صرف ذکر پدر و پسر به کسی وضعیت برابری با آنها می داد، آنگاه با استفاده از این معیار، همه فرشتگان منتخب آسمان به درستی با آنها برابر تلقی می شوند، همانطور که در کتاب مقدس با هم ذکر شده است. -دیدن:

«من شما را در حضور خدا و مسیح عیسی و فرشتگان برگزیده سفارش می کنم که این توصیه ها را بدون ممانعت انجام دهید و هیچ چیز جانبدارانه انجام ندهید.» اول تیم 5:21

می دانیم که درک این موضوع که چون فرشتگان در این آیه همراه با خدا و عیسی ذکر شده اند، باید آنها را خدایان یا افرادی برابر با پدر و پسر در اقتدار دانست، پوچ است. با استفاده از همان معیارهایی که آیه فوق را با متن متی 28:19 تحلیل کردیم، می بینیم که ذکر روح القدس همراه با پدر و پسر او را با آنها برابر نمی کند و او را همسان نمی کند. خدای واحد. "

-دوم کور. (14) 13:13

"فیض خداوند عیسی مسیح و محبت خدا و مشارکت روح القدس با همه شما باد." دوم قرنتیان (14) 13:13 در برخی از انجیل ها)

هنگامی که متی 28:19 را در بخش قبل تجزیه و تحلیل می کنیم، متوجه می شویم که ذکر نام های پدر، پسر و روح القدس در همین آیه ثابت نمی کند که روح القدس شخصی برابر با پدر و پسر است، یا خدای واحد. بنابراین، بدیهی است که نام عیسی، خدا و روح القدس در آیه فوق (اول قرنتیان (13) 13:13 ذکر شده است، ثابت نمی کند که روح القدس شخصی برابر با پدر و پسر است، یا خدای واحد. و با همین معیار می توان تمام آیات دیگر کتاب مقدس را که در آن سه نام آمده است فهمید. بنابراین در این کتاب به تحلیل همه آنها نمی پردازیم.

اصطلاحی در آیه بالا وجود دارد که می تواند کمی سردرگمی ایجاد کند. این عبارت است از: "ارتباط روح القدس". کلید درک صحیح این اصطلاح، خواندن دقیق آن است. توجه داشته باشید که متن می گوید: "ارتباط با روح القدس" و نه "ارتباط با روح القدس". اگر می گفت ارتباط «با» روح القدس، باید به عنوان یک شخص در اینجا درک شود، زیرا ما فقط می توانیم «با» یک نفر ارتباط داشته باشیم. اما متن می گوید اشتراک "از" روح القدس. این اصطلاح به این معنی است که همه روح یکسانی دریافت کردند، که آنها را به اتحاد و داشتن نظر یکسان هدایت می کند. وقتی دو نفر نظر یکسانی دارند، معمولاً می گوئیم روح یکسانی دارند، درست است؟ وقتی پولس در مورد قرنتیان به آنها نوشت، این خواسته بود

اشتراک روح القدس - که آنها روح یکسانی داشتند، و بنابراین در یک منش و در یک عقیده متحد بودند:

«زیرا همه به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهودی و یونانی، خواه غلام و خواه آزاد. و همه ما از یک روح نوشیده شدیم.» اول  
قرنتیان 12:14

«ای برادران، به نام خداوند ما عیسی مسیح از شما خواهش می‌کنم که همگی یک چیز بگویید و در میان شما تفرقه ایجاد نشود. بلکه  
کاملاً متحد باشید، در یک گرایش ذهنی و در یک عقیده.» اول قرنتیان 1:10

### کلمات عبری "Echad" و "Elohyim"

بسیاری از متکلمان می‌شنوند که می‌گویند کلمات عبری "Echad" و "Elohyim" ثابت می‌کند که خدا بیش از یک شخص است، که  
روح القدس را نیز به عنوان یک "خدا" شامل می‌شود. از آنجایی که بیشتر مردم زبان عبری را نمی‌دانند، تقریباً هیچ کس چنین ادعاهایی  
را رد نمی‌کند. با این حال، حتی بدون دانستن زبان عبری، به راحتی می‌توان دریافت که یهودیان که زبان عبری را به عنوان زبان مادری  
خود دارند، معتقدند که خدا یک شخص است. برای تأیید، از یک یهودی ارتدوکس در مورد دین والدینش سؤال کنید. این شاهدهی است  
بر این که ممکن است چیزی در ادعای متکلمان مدرن در مورد کلمات اچاد و الوهیم اشتباه باشد. در این بخش، بررسی خواهیم کرد که  
چگونه می‌توانیم معنای این دو کلمه را در پرتو کتاب مقدس درک کنیم.

تفاوت‌های ساختاری قابل توجهی بین زبان‌های مختلف وجود دارد. بنابراین، وقتی متنی را که به زبانی غیر از پرتغالی نوشته  
شده است تحلیل می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که نمی‌توانیم به سادگی از قواعد دستوری زبان پرتغالی استفاده کنیم و آنها  
را به کار ببریم.

اما باید این نکته را نیز در نظر گرفت که اگرچه بین زبان‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد، اما شباهت‌های ساختاری نیز بین آنها وجود دارد.  
بنابراین، مواردی وجود دارد که در آن قاعده گرامری یا تفسیری مورد استفاده در پرتغالی هنگام تجزیه و تحلیل کلمات یا جملات خاص از  
زبان دیگر یکسان است. یکی از این موارد با کلمه "یک" در پرتغالی، با ترجمه متناظر آن در زبان عبری "echad" رخ می‌دهد. معنی و  
معنی کلمه "یک" در پرتغالی دقیقاً مشابه کلمه مربوطه در عبری است که به عنوان "echad" خوانده می‌شود. تنها معنای کلمه echad  
که در فرهنگ لغت عبری - پرتغالی ارائه شده است "ONE" است (نگاه کنید به: [http://www.blueletterbible.org/  
tmp\\_dir/words/2/1164725880-7020.html](http://www.blueletterbible.org/tmp_dir/words/2/1164725880-7020.html)).

---

در پرتغالی، کلمه "یک" همیشه برای اشاره به چیزی منحصر به فرد استفاده می‌شود. می‌توان گفت: یک ماشین، یک پیشخدمت، یک  
کامپیوتر، یک متصدی پمپ بنزین، یک دوست. در تمام این موارد، ما از کلمه ONE برای اشاره به 1 شی یا 1 شخص استفاده می‌کنیم.  
همچنین می‌توانیم کلمه «یک» را در رابطه با اصطلاحات انتزاعی مانند یک هدف، یک لطف، یک محبت و غیره به کار ببریم. اما در همه  
این موارد معنای کلمه «یک» در زبان ما همیشه «یک» است، به این معنا که دیگری وجود ندارد. اگر مثلاً بگوییم: «جان ماشین دارد»  
هیچ‌کس فکر نمی‌کند که او دو یا سه ماشین دارد. همه ما متوجه خواهیم شد که ژوائو فقط یک ماشین دارد. معنای کلمه "یک" در پرتغالی  
برای ما واضح است. بنابراین، متن کتاب مقدس اول قرن 6، 8: همانطور که هست

این کتاب که عملاً در تمام انجیل ها به زبان پرتغالی ارائه شده است، پاسخ روشنی در مورد تعداد خدایان می دهد. در اینجا آمده است: "برای ما فقط یک خدا وجود دارد، پدر". و این چنین فهمیده می شود: برای ما (در این مورد پولس نویسنده متن و حواریونی که در تفاهم با او اتفاق نظر داشتند) یک خدا وجود دارد (خدای واحد، واحدی از شخص که خداست)، پدر (این تنها کسی که خداست پدر است). متن هم قاطع و هم انحصاری است. قطعی است زیرا به طور قاطع بیان می کند که چند نفر «خدا» هستند. و انحصاری، زیرا هر کس دیگری را از «خدا» بودن خارج می کند، غیر از کسی که به عنوان خدا معرفی شده است - پدر.

کلمه عبری "echad" دقیقاً همان معنی و مفهوم کلمه "یک" در پرتغالی را دارد. همیشه به معنای "یک" است، هرگز به معنای "دو" یا "سه" نیست. این کلمه 952 بار در عهد عتیق آمده است، و اگرچه هر بار با یک کلمه ترجمه نشده است، اما در انجیل ما در همه موارد به معنای "یک" ترجمه شده است. خواندن متن هر یک از متون که در آن ظاهر می شود به ما درک می کند (برای کنفرانس، دقیقاً). (2/1164725880-7020.html) [http://www.blueletterbible.org/tmp\\_dir/words/](http://www.blueletterbible.org/tmp_dir/words/)

دیدن:

این.

متن ژنرال 3:22 حاوی کلمه ECHAD است و به طور گسترده توسط تئلیت ها به نفع ایده های خود استفاده می شود. اما یک مطالعه ساده با دقت به ما آشکار می کند که در این متن، کلمه ECHAD ثابت نمی کند که بیش از یک نفر وجود دارد که "خدا" است.

اجازه دهید ببینیم:

«و خداوند خدا گفت: اینک آن مرد مانند یکی از ما شده است که نیک و بد را می شناسد...»

\* (کلمه "ONE" در آیه فوق ترجمه کلمه ECHAD در اصل است).

توجه داشته باشید که آیه این گونه آغاز می شود: «و أَوْلَهُ اللَّهُ قَلْفٌ» و نه «و أَوْلَهُمْ قَالُونَ». کلمه "disse" در مفرد استفاده می شود، و نه "disseram" در جمع، زمانی که می خواهید به این معنی باشد که فقط یک نفر صحبت کرده است. بدیهی است که خداوند در اینجا به عنوان یک شخص معرفی شده است. آنچه در متن بالا روشن می شود این است که خداوند یک نفر به شخص دیگری فرمود که انسان مانند یکی از آنها شد و خیر و شر را می دانست. در این زمان، حتی فرشتگان در بهشت از قبل از شر می دانستند، زیرا قبل از اینکه شیطان از آنجا اخراج شود با او زندگی می کردند. بنابراین، تعبیر "یکی از ما" می تواند شامل همه فرشتگان شود. ما خوب می دانیم که فرشتگان را خدایی نمی کند، فقط نشان می دهد که فرشتگان نیز از قبل شر را می دانستند، همانطور که آدم و حوا در آن لحظه شروع به دانستن کردند.

اکنون که این را فهمیدیم، اجازه دهید عبارت معروف Deut را بخوانیم. 6:4:

(شما اسرائیل، آدنیا الوهنو، آدنیا اچاد)  
«تَهْوَه دوتیلی 6:4 (تیریلی رفایه بنوه اخراهد یک است»

همانطور که خود متن می گوید (خداوند یکی است)، ما می فهمیم که "خداوند، خدای ما" یک شخص است، نه گروهی از مردم.

کلمه دیگری که در تفسیر با آن ابهام زیادی وجود دارد، تتراگرام عبری است که "ELOHIM" را می خواند که در زبان پرتغالی به "خداوند" ترجمه شده است.

کلمه ELOHIM در زبان اصلی برای اشاره به یک شخص و بیش از یک نفر استفاده می شود. به دو نمونه اشاره می کنیم:

یک شخص:

Exo. 7:1: "سپس خداوند به موسی گفت: اینک من تو را خدایی (الوهیم) بر فرعون قرار دادم."

بیش از یک نفر:

مزمور 82:6: "گفتم: شما خدایان هستید. ..." (ELOHIM)

ما می خواهیم بدانیم که آیا کلمه ELOHIM وقتی برای خدا به کار می رود به یک شخص اشاره دارد یا بیش از یک نفر. پس باید بدانیم: کلمه ELOHIM چه زمانی به صورت مفرد و چه زمانی به صورت جمع استفاده می شود؟ پاسخ ساده است: به دلیل بافت متن. اجازه دهید دو متن ذکر شده در بالا را دوباره برای درک این قاعده تحلیل کنیم:

Exo. 7:1: «سپس خداوند به موسی گفت: اینک من تو را خدایی قرار دادم (الوهیم) دربارۀ فرعون».

در متن بالا، خداوند موسی را که یک فرد مجرد است با استفاده از ضمیر شخصی مفرد «TE» خطاب می کند و کلمه ELOHIM را بر او اطلاق می کند: «اینک من تو را خدا (ELOHIM) قرار دادم». پس معلوم می شود که در این مورد کلمه ELOHIM به شخص واحد (موسی) اطلاق می شود. حال به تحلیل متن دوم می پردازیم:

مزمور 82:6: "گفتم، شما خدایان هستید (الوهیم)..."

در آیه بالا، شخصی چند نفر را با استفاده از ضمیر شخصی "شما" خطاب می کند و آنها را ELOHIM می نامد: "شما خدایان هستید. ..." (ELOHIM).

می بینیم که در هر دو مورد بالا، آنچه مشخص می کند که کلمه ELOHIM به صورت مفرد یا جمع استفاده می شود، بافت متن متن بود. بنابراین، این سیاق است که تعیین می کند که آیا کلمه ELOHIM به خدا اشاره می کند به صورت مفرد یا جمع استفاده می شود. این روش بی خطر است، زیرا در آن خود کلام خدا (در این مورد از طریق سیاق آن) معنای آنچه را ارائه می کند توضیح می دهد.

کلمه ELOHIM که مستقیماً به خدا اشاره دارد، 2346 بار در عهد عتیق آمده است. وقتی سیاق آیات را تحلیل می کنیم، می بینیم که اشاره به ELOHIM (خدا) همیشه به صورت مفرد صورت می گیرد. ما در اینجا فقط به چند مثال اشاره می کنیم تا مطالعه بیش از حد گسترده نباشد:

\* (اگر می خواهید همه آنها را جستجو کنید، به <http://www.blueletterbible.org/> مراجعه کنید):

tmp\_dir/words/g/1164729137-9926.html



"در آغاز خدا آسمانها و زمین را آفرید" ژنرال. 1:1 (توجه داشته باشید که آیه به صورت مفرد می‌گوید آفریده شده است، و در مفرد آفریده نمی‌شود. بنابراین بدیهی است که اگر در این مورد کلمه ELOHIM در مفرد استفاده شود، به یک شخص اشاره دارد - یک خدای مجرد)

«یَهُوَه، خدای ما (الوهیم) در حوریب با ما صحبت کرد...» تثنیه. 6:1 (توجه داشته باشید که این آیه می‌گوید که خداوند به صورت مفرد - یک نفر - و نه "سخن" که در حالت جمع - بیش از یک نفر است) صحبت کرد.

"و خدا گفت، بیایید انسان را به صورت خود بسازیم" ژنرال. 1:26

توجه داشته باشید که آیه فوق به درستی بیان می‌کند: و «سید» در مفرد، نه «و گفت» زیرا فقط یک نفر یعنی خدا (ELOHIM) صحبت کرده است. اگر منظور الوهیم بیش از یک نفر بود، این آیه باید بگوید: و فرمود خدا. در این صورت، نه تنها این آیه باید تغییر کند، بلکه تمام بیش از 2000 آیه کتاب مقدس از عهد عتیق که کلمه ELOHIM اشاره به خدا را به صورت مفرد ارائه می‌دهد.

بنابراین آشکار می‌شود که کلمه ELOHIM در هنگام اشاره به خدا همیشه به صورت مفرد به کار می‌رود و خدا را به عنوان یک شخص معرفی می‌کند.

سنت سنت سنت

«و آنها به یکدیگر فریاد زدند و گفتند: «قدوس، قدوس، قدوس یهوه صباپوت. تمام زمین از جلال او پر شده است.» اشعیا 6:3

«و چهار موجود زنده که هر کدام به ترتیب شش بال دارند، در اطراف و درون پر از چشم هستند. روز و شب استراحتی ندارند و اعلام می‌کنند: قدوس، قدوس، قدوس یهوه خدای قادر مطلق است که بود، که هست و خواهد آمد.» آپوک 4:8

دو آیه فوق، اگرچه حتی به روح القدس اشاره ای نمی‌کنند، بسیاری به عنوان دلیلی بر وجود سه موجود برتر از نظر قدرت و قدرت در بهشت می‌فهمند. با این حال، مطالعه دقیق هر دو آیه نشان می‌دهد که این چیزی نیست که آنها می‌گویند. بیایید دوباره گزیده هایی از آیات بالا را با تأکید بر کلمات پررنگ زیر ارائه کنیم:

"قدوس، قدوس، قدوس یهوه ... تمام زمین از جلال او پر است" اشعیا 6:3

«قدوس، قدوس، قدوس یهوه خدای قادر مطلق، که بود، که هست و خواهد آمد» آپوک. 4:8

کلمات برجسته شده در آیات بالا چه وجه اشتراکی دارند؟ همه آنها در «مفرد» هستند و نه به صورت جمع. زمانی که می‌خواهیم به یک فرد اشاره کنیم از کلمات مفرد استفاده می‌کنیم. وقتی به بیش از یک اشاره می‌کنیم، از جمع استفاده می‌کنیم. حالا اگر ما انسانها بلد باشیم از کلمات استفاده کنیم و بین مفرد و جمع فرق بگذاریم تا فهمیده شود، خدایا چقدر بیشتر! اگر خداوند می‌خواست در آیات به بیش از یک نفر اشاره کند

در بالا، برای اینکه بفهمیم سه نفر هستند و هر سه یک خدا هستند، اینگونه می‌نوشتیم:

"قدوس، قدوس، قدوس خداوند ... تمام زمین از جلال او پر است" اشعیا 6:3

"قدوس، مقدس، مقدس هستند خداوند خداوند قادر مطلق، کسانی که بودند، که هستند و خواهند آمد" Apoc. 4:8

اما اینگونه نیست که ما آن را در انجیل خود می‌خوانیم، اینطور است؟ پس واضح است که خداوند با استفاده از اصطلاحات مفرد در هر یک از آیات فوق فقط به یک نفر اشاره کرده است. بنابراین روشن است که سه بار کلمه قدیس در این آیات به این معنا نیست که در مورد بیش از یک نفر صحبت می‌شود. ما نمی‌توانیم روح القدس را به عنوان فردی که در آنها گنجانده شده است بدون اعمال خشونت به متون درک کنیم. پس تکرار "قدوس، مقدس، مقدس" به چه معناست؟ وقتی کتاب مقدس را می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که از تکرار برای تأکید بر چیزی استفاده می‌کند - ببینید:

«رو، واژگون، واژگون، آن را می‌گذارم، و دیگر نخواهد بود، تا زمانی که به کسی که حقش است بیاید و به او می‌دهم». حزقیال 21:27

پیامبر از جانب خداوند الهام شد تا کلمه «پسرفت» را سه بار در آیه بالا بنویسد تا به قوم توبه‌نشدۀ اسرائیل اطمینان کامل بدهد که اورشلیم ویران خواهد شد.

او از همین کلمه سه بار برای تأکید بر پیام استفاده کرد. ما می‌توانیم همین را با تکرار "قدوس، مقدس، مقدس" درک کنیم. از آن برای تأکید بر این حقیقت استفاده می‌شود که شخص مذکور در آیات فوق «رب» قدوس است و ما باید کاملاً به این امر اطمینان داشته باشیم و او را چنین بدانیم و به او احترام بگذاریم.

## قسمت 2

### فصل 1 چند "خدا" وجود دارد؟

تصور کنید که در یک حلقه دوستان هستید، زمانی که ناگهان شخصی مکالمه را قطع می‌کند و می‌گوید: "این هدیه روی میز برای کیست؟" یکی از دوستانش بلافاصله پاسخ می‌دهد و می‌گوید: "این برای من است." از شما خواننده می‌پرسم: "طبق این گزارش، این هدیه برای چند نفر است؟" با توجه به اینکه هرکس صحبت می‌کرد می‌گفت: «برای من»، هر کسی به طور طبیعی پاسخ می‌دهد: «فقط برای یک نفر». این به این دلیل است که گفته شد "برای من" و نه برای "ما". توجه داشته باشید که ضمیر مفرد "MIM" تعداد افراد (یک) را مشخص می‌کند. اگر هدیه برای بیش از یک نفر بود، گزینه صحیح این است که بگویید: "ما".

خوب، بیایید به یک مورد مشابه که در کتاب مقدس ظاهر می‌شود نگاه کنیم:

"شما جز من خدایان دیگری نخواهید داشت Exo. 20:3"

این اولین فرمان است. چند نفر از او طلب اطاعت می کنند؟ به ضمیر استفاده شده توجه کنید "MIM" - (نه ما). پیداست که فقط یک نفر در این فرمان اطاعت می کند. این شخص کیست؟ بخوانیم:

«سپس خدا همه این سخنان را گفت و گفت: ... جز من خدایان دیگری نخواهید داشت.» خروج 3، 20:1

یک نفر، «خدا» درخواست اطاعت می کند. بنابراین، از آنچه در اولین فرمان شریعت آمده است روشن می شود که خدا یک شخص است. ما فقط می توانیم دو یا سه نفر را به عنوان «خدا» بشناسیم و یا بپذیریم، حتی اگر گفته شود که این افراد مختلف با نقض آشکار فرمان اول، خدای واحد هستند. مشکل آموزه تثلیث در تمام انواع آن در اینجا نهفته است. این تعلیم می دهد که سه شخص وجود دارد - "پدر، پسر و روح القدس" - که یک خدا را تشکیل می دهند، در حالی که فرمان تعلیم می دهد که خدا یک شخص است. بنابراین، پذیرش آموزه تثلیث به معنای تخطی از فرمان اول است. از نظر بهشت این چیزی بیش از یک موضوع نظری است. بر اساس معیار قانون خداست که همه در دادگاه آسمانی مورد قضاوت قرار خواهند گرفت، و ما معتقدیم که هیچ کس دوست ندارد در آنجا حاضر شود زیرا می داند که در حال تخطی آشکار از یکی از احکام است:

"زیرا همه ما در برابر کرسی داوری خدا حاضر خواهیم شد." رام 14:10

قابل اعتمادترین متن کتاب مقدس، شرح ده فرمان است، و این به یک دلیل است: زیرا اگرچه کل کتاب مقدس توسط انسانهای الهام گرفته از خدا نوشته شده است، اما احکام توسط انسانها نوشته نشده است، بلکه توسط خود خدا به عنوان کلام نوشته شده است. اعلام می کند:

«و هنگامی که در کوه سینا با او صحبت کرد، دو لوح سنگی را که با انگشت خدا نوشته شده بود به موسی داد... و موسی برگشت و در حالی که دو لوح شهادت در دست داشت، از کوه پایین آمد. الواح نوشته شده از دو طرف... الواح کار خدا بود. همچنین نوشته همان نوشته خدا بود که بر روی الواح حک شده بود.» خروج 31:18

بنابراین، حتی اگر می توانستیم در صحت همه آیات کتاب مقدس شک کنیم، نمی توانیم در صحت ده فرمان شک کنیم، همانطور که خود خداوند وظیفه نوشتن آنها را با انگشت خود بر عهده گرفت تا تحریف نشوند و آنها را حفظ کرد. تا انسان آنها را بشناسد و اطاعت کند. و در مورد اینکه چند نفر «خدا» هستند، علیرغم شواهدی که ممکن است بر خلاف آن ارائه شود، این حکم آنقدر واضح است که نمی توان آن را نادیده گرفت. و او تنها کسی نیست که شهادت می دهد. چندین آیه دیگر از کتاب مقدس می گوید که خدا یک شخص است:

اکنون ببین که من تنها هستم و خدایی جز من نیست. من می کشم و زندگی می کنم. زخم می کنم و شفا می دهم. و کسی نیست که بتواند کسی را از دست من رهایی بخشد.» دوتایی 32:39

«زیرا خدایی جز من نیست» اشعیا 45:21

توجه داشته باشید که در هر دو قسمت بالا، خداوند از خود به عنوان یک شخص یاد می کند، زیرا از کلمات "من" و "من" استفاده می کند. اگر ما که مردم استفاده از آن را بلد باشیم

کلمات "من" و "من" وقتی می خواهیم به یک شخص (شخص خودمان) اشاره کنیم، چه رسد به خدا!

"زیرا خدا یکی است" روم. ساعت 3:30

«آیا شما معتقدید که خدا یکی است؟ تو خوب می کنی.» یعقوب 2:19

فصل دوم خدا کیست؟

- 2.1 فرمان

فرمان اعلام می کند که خدا یک شخص است. این خدا کیست؟ بیایید کتاب مقدس را به یوحنا 15:10 باز کنیم و سخنان عیسی را بخوانیم:

"من احکام پدرم را نگاه داشتم" یوحنا 15:10

عیسی گفت که او احکام پدرش را نگه داشته است پس واضح است که فرمان اول که می گوید: «جز من خدایان دیگری نخواهید داشت» مث. 20:3 فرمان پدر عیسی است. پدر کسی است که دستور می دهد که ما خدایان دیگری غیر از او نداشته باشیم. بنابراین تنها یک خدا وجود دارد - پدر، طبق فرمان.

- 2.2 شهادت عیسی

ما می دانیم که عیسی توسط خدا به جهان فرستاده شد تا حقیقت را آشکار کند. عیسی در یوحنا 14:6 گفت که او "حقیقت" است:

«عیسی به او پاسخ داد که من راه و حقیقت هستم» یوحنا 6: 14

این بدان معناست که عیسی هرگز دروغ نگفت. ما می توانیم باور کنیم که هر آنچه عیسی گفت حقیقت است. به قول عیسی ما امنیت کامل داریم. ما می توانیم به آنها ایمان داشته باشیم، زیرا آنها قطعاً ما را در مسیری امن به سوی زندگی ابدی هدایت خواهند کرد.

پس بیایید ببینیم عیسی در مورد کیست خدا چه می گوید. بیایید یوحنا 3، 17:1 را بخوانیم:

«وقتی عیسی این سخنان را گفت، چشمان خود را به آسمان بلند کرد و گفت: ای پدر، ساعت فرا رسیده است... و این است حیات جاودانی تا تو را، ای یگانه خدای راستین، بشناسند.» یوحنا 3، 17:1

در این قسمت می بینیم که عیسی گفت که پدر تنها خدای حقیقی است. کلمه UNIQUE به چه معناست؟ یعنی دیگری وجود ندارد. عیسی به وضوح گفت که خدای دیگری غیر از پدر وجود ندارد.

-پدر بزرگتر از من است -یوحنا 14:28

بسیاری فکر می کنند که عیسی همان گونه که پدر است خدا بود. اما خود عیسی گفت که پدر از او بزرگتر است. بیایید متن یوحنا 14:28 را بخوانیم:

عیسی پاسخ داد: پدر بزرگتر از من است. یوحنا 14:23، 28

پدر که خداست از عیسی بزرگتر است.

-من و پدر یکی هستیم -یوحنا 10:30

در یک مورد، یهودیان فکر کردند که عیسی می گوید که او نیز «خدا» است. اما عیسی برای جلوگیری از این برداشت، آنها را اصلاح کرد. اجازه دهید شرح یوحنا 10:29-36 را بخوانیم:

«آنچه پدرم به من داده است از هر چیزی بزرگتر است. و هیچ کس نمی تواند آن را از دست پدر ربوده باشد. من و پدر یکی هستیم.

یهودیان دوباره سنگ برداشتند تا به سوی آنها پرتاب کنند. عیسی به آنها گفت: من کارهای نیک بسیاری را از جانب پدر به شما نشان دادم. مرا برای کدام سنگسار می کنی؟ یهودیان به او پاسخ دادند: سنگسار تو را به خاطر کار نیکی نیست، بلکه به خاطر کفر گفتن، زیرا که مرد هستی، خود را خدا می سازی.

عیسی به آنها پاسخ داد: آیا در شریعت شما نوشته نشده است: گفتم: شما خدایان هستید؟ اگر او خدایان را به سوی کسانی که کلام خدا خطاب به آنها بود فراخواند، و کتاب مقدس نمی تواند شکست بخورد، پس در مورد کسی که پدر او را تقدیس کرده و به جهان فرستاد، می گویند: شما کفر می گویند. زیرا من اعلام کردم: من پسر خدا هستم؟ یوحنا 10:29-36

وقتی عیسی گفت: «من و پدر یکی هستیم»، یهودیان فکر کردند منظور او این است که او به همراه پدرش «خدا» است. اما عیسی آنچه را که گفته بود روشن کرد و برای اینکه سوء تفاهم پیش نیاید، توضیح داد که او در حقیقت است. او گفته بود "من پسر خدا هستم". گفتگو را به صورت خلاصه در زیر ببینید:

«آنچه پدرم به من داده است از هر چیزی بزرگتر است. و هیچ کس نمی تواند آن را از دست پدر ربوده باشد. من و پدر یکی هستیم. ...

یهودیان به او پاسخ دادند: عیسی می آید با من. پسر خدا هستم. یوحنا 10:29-36

-خدای عیسی

خود عیسی تشخیص داد که پدر خدای اوست - در متی 27:46 ببینید:

«در حدود ساعت نهم عیسی با صدای بلند فریاد زده ، گفت: الی، الی، لاما ساباکتانی؟ یعنی چه: خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» متی 27:46

بسیاری می دانند که عیسی پس از رستاخیز، به عنوان خدا به وجود آمد. اما می بینیم که حتی پس از رستاخیز، او پدرش را به عنوان خدای خود شناخت. او گفت که خدای ما، پدر، خدای او نیز هست - یوحنا 20:17

عیسی به او توصیه کرد: ... نزد برادران من برو و به آنها بگو: من به سوی پدر خود و پدر شما، به سوی خدای خود و خدای شما بالا می روم. یوحنا 20:17

اگر عیسی پدر را به عنوان خدای خود بشناسد، او نمی تواند به عنوان پدر خدا باشد.

### - 2.3 شهادت کلیسای حواری

پس از رستاخیز، هنگامی که مأموریت او در این زمین انجام شد، عیسی به آسمان عروج کرد. او گروهی از مردم را بر روی زمین ترک کرد - کلیسای خود را که وظیفه حفظ حقیقتی را که از لبان مقدس او برمیخیزد و اعلام آن به جهان بود. پولس رسول می گوید که او حقایق را که موعظه کرد از خود عیسی دریافت کرد - اجازه دهید در غلطیان 12، 11: 1 بخوانیم:

"اما ای برادران، من به شما اطلاع می دهم که انجیلی که توسط من موعظه شده است بر حسب انسان نیست... بلکه از طریق مکاشفه عیسی مسیح است." غلطیان 12، 11: 1

رسولان آنچه را که از عیسی آموخته بودند موعظه کردند. پولس، با نوشتن به قرنتیان، گزارشی از آنچه از عیسی آموخت - بیانیه ای از ایمان کلیسای حواری - به یادگار گذاشت.

زیرا اگرچه برخی نیز خدایان نامیده می‌شوند، چه در آسمان و چه در زمین، چنانکه خدایان بسیار و اربابان بسیار هستند، اما برای ما یک خدا، پدر وجود دارد.»  
من کور. 6، 5: 8

پولس همچنین چندین بار در رساله های خود اعتقاد خود را به خدای یگانه، پدر بیان کرد. می توانید در قسمت هایی از اف. 4:6؛ 1:3؛ اول تیم 2:5؛ عمه. 19:2؛ رام 7:1؛ اول قرنتیان 3:1؛ دوم قرنتیان 1:2؛ گال. 4؛ 3:1؛ اف. 2:1؛ فیل. 2:1؛ کل 2:1؛ من تز. 2.1؛ II Thes. 1:1

برای کلیسای حواری، کاملاً واضح بود که فقط یک خدا وجود دارد - پدر. رسولان نمی فهمیدند که عیسی خدایی برابر با پدر است. آنها فهمیدند که عیسی پسر خدا است - اجازه دهید بخوانیم:

"فیض، رحمت و سلامتی از جانب خدای پدر و عیسی مسیح، پسر پدر، با ما خواهد بود" دوم یوحنا 3

«متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح...» افس. 3:1

پطرس رسول با پولس و یوحنا، که آیات بالا را نوشتند، موافق بود -اول پطرس: 3: 1

"متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح..." اول پطرس 3: 1

- 2.4 شهادت عهد عتیق (قدیم).

تا اینجا ما هماهنگی بین آنچه خدا در فرمان اول تعلیم داده بود، توسط عیسی، که او فرستاد، و رسولان، که توسط عیسی فرستاده شدند تا حقیقت خود را به جهان عرضه کنند، می بینیم، در مورد اینکه چند خدا وجود دارد و چه کسی وجود دارد. خدا هست. این سه، خدا (به دستور)، عیسی و کلیسای حواری، تعلیم می دهند که یک خدا وجود دارد، «پدر».

حتی در عهد عتیق، کتاب مقدس به وضوح تعلیم می دهد که تنها یکی وجود دارد  
خدا - پدر. بیابید در اشعیا 22، 45:21 بخوانیم:

«زیرا معبودی جز من نیست، جز من خدای صالح و نجات دهنده ای نیست، زیرا من خدا هستم و هیچ کس دیگری نیست». اشعیا 22، 45:21

همین حقیقت در چند قسمت دیگر از عهد عتیق بیان شده است. ما به نقل از برخی از آنها در صورت تمایل به مشورت: Exo. 20:3، 7; 6:4، 44:6، 8; 45:18، 21، 22; 46:9، 4:35، 39; 5:6، هست یک.

همچنین توجه داشته باشید که نه تنها در سراسر عهد عتیق، بلکه در عهد جدید نیز، تمام ارجاعاتی که کتاب مقدس به خدا می کند به صورت مفرد است نه جمع. وقتی می‌خواهیم به یک شخص اشاره کنیم، همیشه از ارجاعات مفرد استفاده می‌کنیم. در اینجا چند نمونه آورده شده است:

«خدا گفت، بگذارید انسان را به صورت خود بسازیم» پیدایش 1:26 (توجه داشته باشید که به صورت مفرد می‌گوید «گفته است». اگر خدا بیش از یک نفر بود، متن باید به این صورت باشد: «خدا گفت»).

هر کس، مهم نیست چقدر ساده، می تواند حقیقت را به وضوح درک کند، همانطور که ما در اینجا آن را مطالعه می کنیم. با خواندن آنچه خدا می گوید و ایمان به او می توانیم حقیقت را بشناسیم.

- 2.5 نقل قول های کتاب مقدس ترجمه ضعیفی دارند

برخی از متون در کتاب مقدس وجود دارد که از متن اصلی ضعیف ترجمه شده اند و برخی دیگر به اشتباه تفسیر شده اند و مردم را به درک اینکه بیش از یک خدا وجود دارد هدایت می کند.  
با این حال، بزرگترین دلیل این است که این متون با متن اصلی مطابقت ندارند یا در حال تفسیر نادرست هستند این است که آنها حاوی جملاتی هستند که بر خلاف حقیقتی است که توسط این فرمان، توسط عیسی و رسولان، مبنی بر اینکه فقط یک خدا، پدر وجود دارد، آشکار شده است.

متونی را نقل می کنیم که با متن اصلی موافق نیستند: اول یوحنا 7: 5; رومیان 9:5; تیطس 2:13; جود 4: یوحنا 1:1; یوحنا 1:18; عبرانیان 1: 8.

اجازه دهید برای جلوگیری از هر گونه شک و شبهه ای در مورد هر یک از این متون بالا به اختصار نظر دهیم:

#### -اول یوحنا: 5:7

عبارتی که در آیه آمده است که می گوید: «سه نفر در زمین شهادت می دهند - پدر و کلام و روح القدس و آن سه یکی هستند» - در اصل کتاب مقدس وجود ندارد. احتمالاً این متن در کتاب مقدسی که در دست دارید در گروه مربع ظاهر می شود (این علامت: [ \_ \_ ] و تفسیر کتاب مقدس اورشلیم کاملاً روشن می کند که متن متعلق به اصل نیست -

نگاه کن:

«متن 7-8 در Vulg.de یک برش (در اینجا در پرانتز) اضافه شده است که از mss یونان باستان، نسخه‌های باستانی و بهترین Vulg. mss وجود ندارد، که به نظر می‌رسد براق حاشیه‌ای است که بعداً در متن معرفی شده است: «زیرا سه نفر هستند که شهادت می دهند (در آسمان: پدر، کلام و روح القدس، و این سه نفر یکی هستند، و سه نفر بر روی زمین شهادت می دهند): روح، آب و خون، و اینها سه یکی هستند.» کتاب مقدس اورشلیم، چاپ سوم، 2004. ص. 2133، 2132 (کامنت پاورقی اول یوحنا - 7: 5 تأکید اضافه شده است)

متن را مطابق با وفادارترین نسخه اصلی بدون افزودن جمله بالا در زیر ارائه می کنیم:

«زیرا سه تا هستند که شهادت می‌دهند: روح، آب و خون، و هر سه در یک هدف متحد می‌شوند.» اول یوحنا 5:7

متن اول یوحنا 5: 7 با بخشی اضافه شده توسط انسان، که به اصل آن تعلق ندارد، توسط بسیاری به عنوان دلیلی بر کتاب مقدس بودن آموزه تثلیث ارائه شده است. اما وقتی آیه را بدون متن اضافه می خوانیم، کاملاً مشخص می شود که تثلیث وجود ندارد. فقط از روح خدا، آب و خون صحبت می کند.

#### -رومیان: 5: 9

در برخی از ترجمه های کتاب مقدس، مانند نسخه آمریکایی تجدید نظر شده و به روز شده، به نظر می رسد این متن می گوید که عیسی خداست. ما می دانیم که نامه به رومیان توسط پولس نوشته شده است، همان کسی که به قرن‌تین نوشت که "خدای واحد است، پدر" (اول قرن‌تینان. 6: 8) پولس که تحت الهام خدا می نویسد، هرگز با خود تناقض ندارد. او در نوشتن به رومیان با آنچه که یک سال پیش از آن برای قرن‌تینان نوشته بود مخالفت نمی کرد. بنابراین، بدیهی است که متن روم. 5: 9 در نسخه هایی که از طریق آن نشان می دهد که عیسی نیز خدا خواهد بود، به اشتباه ترجمه شده است.

در زیر ترجمه وفادارترین ترجمه به اصل است که در پاورقی برخی از نسخه های کتاب مقدس، از جمله نسخه آمریکایی تجدید نظر شده و به روز شده آمده است:

"آنها پدرسالاران هستند و مسیح نیز از آنها فرود می آید. ستایش خدای همیشه که بر همه چیز است!" رومیان 9:5



-تیتو: 2:13

در این قسمت خطای ترجمه نیز وجود دارد. ما از شما دعوت می‌کنیم که اکنون این متن را در کتاب مقدس خود بخوانید. همانطور که در چندین کتاب مقدس خوانده می‌شود، به نظر می‌رسد که پولس، که این نامه را نوشته است، تعلیم می‌دهد که مسیح نیز خداست. که درست نیست. او تحت الهام الهی چیزی نمی‌نوشت که برخلاف فرمان، تعلیم عیسی و آنچه که خود در نامه‌های دیگرش نوشته بود (اول قرنتیان: 6: 8 افس. 6: 4 اول تیم. 5: 2 بود). در زیر ترجمه وفادارترین ترجمه به اصل است که با تعلیم خدا، مسیح و رسولان هماهنگ است:

"به امید امید مبارک و ظهور جلال خدای بزرگ ما و نجات دهنده خود عیسی مسیح" تیطس 2:13

-یوحنا: 1:18

متن دیگری که باعث شک و تردید می‌شود و در برخی از انجیل‌ها ترجمه ضعیفی به نظر می‌رسد، یوحنا 1:18 است.

در نسخه‌های قدیمی‌تر، عیسی مسیح به عنوان "پسر یگانه" در این آیه معرفی شده است. با این حال، در اکثر ترجمه‌های مدرن کتاب مقدس می‌خوانیم که عیسی "خدای یگانه" نامیده می‌شود. به نظر می‌رسد که این تلاش مترجمان برای وادار ساختن خوانندگان امروزی به این باور باشد که عیسی مانند پدر «خدا» خواهد بود، اما حقیقت ناب کلام خدا را تحریف می‌کند و آنها را گمراه می‌کند. در زیر متن را با توجه به نسخه‌های قدیمی‌تر کتاب مقدس، وفادارتر به نسخه اصلی ارائه می‌کنیم:

«هیچ‌کس خدا را ندیده است. پسر یگانه که در آغوش پدر است، کسی است که او را آشکار کرد.» یوحنا 1:18

-یهودا: 4

متن دیگری که در آن مشکل ترجمه وجود دارد، آیه 4 یهودا است. از شما می‌خواهیم که آن را در کتاب مقدس خود بخوانید. همانطور که در ترجمه‌های جدیدتر ارائه شده است، این متن نشان می‌دهد که عیسی تنها حاکم خواهد بود. اما این در تضاد با کتاب مقدس خواهد بود. اول تیموتائوس 16، 15: 6 را بخوانید، جایی که نوشته شده است که "کسی که چشمی او را ندیده است" (یعنی خدای پدر) تنها فرمانروا است:

«این فرمانروای مبارک و یگانه، پادشاه پادشاهان و پروردگار اربابان، آشکار خواهد شد. تنها کسی که دارای جاودانگی است، که در نوری غیرقابل دسترس ساکن است، که هیچ‌کس هرگز او را ندیده و قادر به دیدن او نیست.» اول تیموتائوس 16، 15: 6

تنها کسی که «هیچ‌کس هرگز ندیده» که در متن بالا به عنوان «تنها فرمانروا» ذکر شده است، پدر است. زیرا در مورد عیسی، نه تنها دوازده شاگرد، بلکه بسیاری دیگر او را هنگامی که او روی زمین بود دیدند. خود کلام می‌گوید: «هیچ‌کس خدا، پسر یگانه را ندیده است... او است که او را آشکار کرد» یوحنا 1:18 "خدا" را از "پسر" به عنوان دو موجود متمایز جدا می‌کند و روشن می‌کند که تنها خدا توسط کسی دیده نشده است.

این پولس بود که تحت الهام الهی نامه را به تیموتائوس نوشت. در آن می بینیم که به وضوح توضیح داده شده است که پدر تنها حاکم است. یهودا که تحت الهام الهی می نویسد، هرگز با آنچه پولس با الهام از همان خدا نوشته است، در تضاد نیست. خدا خدای سردرگمی نیست. همچنین اضافه می کنیم که اگر عیسی تنها حاکم بود، آیا او حاکم پدرش بود؟ آیا هیچ پسر مطیع روی زمین، پدرش را خدمتکار خود دارد؟ این امر نه تنها حتی برای ما مردان نیز معنا نخواهد داشت، زیرا خلاف نظم طبیعی اشیا است، بلکه بر خلاف حقیقت کلام است. این نشان می دهد که خدا، پدر، بالای پسر است، نه زیر دست او:

"خداى واحد و پدر همه که بر همه است" افسسیان 4: 6

«خود پسر نیز خود را تسلیم کسی خواهد کرد که همه چیز را مطیع او کرد تا خدا همه در همه باشد.» اول قرنتیان 15:28

در زیر وفادارترین ترجمه از متن یهودا 4 است که خدا را معرفی می کند پدر، به عنوان تنها حاکم، و با مکاشفه کتاب مقدس و حتی نظم طبیعی چیزها هماهنگ است:

«زیرا افراد معینی که مدت‌ها پیش از این محکومیت اعلام شده‌اند، با تقلب وارد شده‌اند، مردانی بی‌خدا، که فیض خدای ما، یگانه فرمانروای ما، و خداوند ما عیسی مسیح را به خواری تبدیل می‌کنند.»

یهودا 4

-یوحنا 1:1

متن دیگری که مشکلات ترجمه دارد، یوحنا 1: 1 است. ما از شما دعوت می کنیم که این متن را در کتاب مقدس خود بخوانید. به گونه ای که خوانده می شود، متن می گوید که عیسی، حداقل در آغاز، قبل از آمدن به زمین، خدا بود. اگر این درست بود، نه تنها با فرمان اول، بلکه با آنچه که خود یوحنا رسول در همین انجیل در یوحنا 3: 17 نوشت و گفت که پدر تنها خداست، مغایر بود:

«و این است حیات جاودانی، تا تو را ، خدای یگانه حقیقی را بشناسند» یوحنا 3:17

اما متن یوحنا 1: 1 به اشتباه ترجمه شد. وفادارترین ترجمه از یونانی اصلی این است:

"در ابتدا کلمه بود و کلمه در خدا بود و خدا کلمه بود و او در ابتدا در خدا بود" یوحنا 1:1 (ترجمه وفادار به اصل)

آنچه متن می گوید این است که در آغاز، عیسی در درون خدا بود. چگونه می تواند این باشد؟ ساده:

عیسی پسر خداست. پسر تنها پسر است زیرا از پدرش زاده شده است. کتاب مقدس از اصطلاح "زایید" برای اشاره به فرزندان طبیعی و مشروع استفاده می کند - به مثال در پیدایش 3:5 نگاه کنید:

«آدم صد و سی سال زندگی کرد و پسری به شباهت خود به وجود آورد و او را شیث نامید» پیدایش 3: 5

هفت به معنای واقعی کلمه پسر آدم بود، زیرا از پیوند او با حوا، همسرش به دنیا آمد. کلام خدا از کلمه "متولد" برای توصیف شیث به عنوان پسر واقعی آدم استفاده می کند.

هر کسی که بخواهد می تواند کل فصل 5 پیدایش، و همچنین تمام قسمت های دیگری را که در آن کتاب مقدس نسبتاً نامها (سوابق نام والدین و فرزندان مربوطه آنها) را ذکر می کند، بخواند تا خود تأیید کند که کلام خدا همیشه از این عبارت استفاده می کند. «beget برای اشاره به کودکان تحت اللفظی. در مورد شیث، در متنی که همین الان خواندیم، همچنان گفته می شود که او به «مثل آدم» پسر بوده است. این توصیف کتاب مقدس از یک پسر تحت اللفظی است. کتاب مقدس از همین اصطلاح استفاده می کند تا نشان دهد که عیسی پسر واقعی و مشروع خدا، پدرش است - بیایید در عبرانیان 5: 1 ببینیم:

«زیرا به کدام یک از فرشتگان گفتم: تو پسر منی، امروز تو را به دنیا آوردم؟ و دوباره: آیا من پدر او خواهم بود و او پسر من خواهد بود؟  
عبرانیان 5: 1

همان طور که خداوند حوا را از دنده ای که در سطح سینه آدم است شکل داد، مسیح نیز از سینه پدر آمد، خود عیسی گفت که از جانب پدر آمده است - ببینیم:

بیایید یوحنا 8: 17 را بخوانیم. در آنجا عیسی گفت: «آنها... می دانستند که من از جانب تو آمده ام» یوحنا 8: 17

پس خود عیسی گفت که از پدر آمده است، یعنی از او زاده شده است، همانطور که یک پسر مشروع از پدرش در اینجا روی زمین زاییده می شود. روشن است.

برخی فکر می کنند که عیسی تنها زمانی که به زمین آمد و از مریم به دنیا آمد به عنوان پسر متولد شد. اما عیسی به پیلطس گفت که او قبل از آمدن به این دنیا به دنیا آمد - در یوحنا 18: 37 بخوانید:

عیسی پاسخ داد: تو می گویی که من یک پادشاه هستم. من برای این به دنیا آمدم و برای این به دنیا آمدم.» یوحنا 18: 37

اول می گوید به دنیا آمده است، بعد می گوید به دنیا آمده است. بنابراین، او خود نشان می دهد که قبل از آمدن به این جهان در آنجا در بهشت متولد شده است.

-عبرانیان 8: 1

در نهایت، ما در مورد متن عبرانیان 8: 1 نظر می دهیم. بر اساس آنچه بیشتر ترجمه های کتاب مقدس ارائه می کنند، متن نشان می دهد که خود پدر مسیح را «خدا» می خواند. با این حال، این متن در اصل توسط پولس نوشته شده است، همان کسی که به قرن تیان، تیموتائوس (اول تیم. 5: 2) و افسسیان (افسسیان 6: 4) نوشت که "خدای واحد است، پدر".

بدیهی است که پولس که تحت الهام الهی می نوشت، با آنچه قبلاً بارها هنگام نوشتن برای کلیساهای دیگر تکرار کرده بود، مخالفت نمی کرد. این متن بد ترجمه شده است.

پولس در عبرانیان 8: 1 کلمات متن مزبور 5: 46 را نقل می کند. لطفاً مزامیر 5: 46 را بخوانید و آن را با متن عبرانیان 8: 1 مقایسه کنید تا بررسی کنید. وفادارترین ترجمه این متن به اصل این است:

«تخت تو از آن خداست تا ابدالآباد» مزمور 45:6

پولس در واقع می‌گفت که مسیح در تخت پدر سهیم است و نه اینکه مسیح خدای برابر با پدر است. پولس چیزی نمی‌نویسد که با خود فرمان اول که می‌گوید ما نباید خدای دیگری جز شخص پدر داشته باشیم، در تضاد باشد.

پاپ (کلیسای کاتولیک) که در مکاشفه 17:3 "بابل" نامیده می‌شود، مسئول اکثر ترجمه‌های کتاب مقدس است. بایبلون به معنای سردرگمی است، و این نام خوبی است که دقیقاً آنچه را که پاپ در ترجمه انجیل انجام داده است توصیف کند - سردرگمی برای وادار کردن افرادی که کتاب مقدس را می‌خوانند به آموزه تثلیث، که آموزه اصلی ایمان کاتولیک است، باور کنند. اما این دکترین غیر کتاب مقدس است. آموزه‌های کتاب مقدس، مانند سبت، مقدس، و غیره، همیشه به وضوح در کلام خدا آشکار شده است، اما نام "تثلیث" حتی در کتاب مقدس وجود ندارد.

### فصل 3 عیسی مسیح کیست؟

بسیاری فکر می‌کنند که با این که عیسی را «خدا» نمی‌دانند، یا از نظر قدرت یا سلسله مراتب پایین تر از پدر است، او را تحقیر می‌کنند و به این ترتیب کار شیطان را انجام می‌دهند، همان طور که او می‌خواست. مسیح را کم کند در بخش بعدی به این موضوع می‌پردازیم.

-چگونه خدا از ما می‌خواهد که عیسی را تجلیل کنیم

کتاب مقدس بیان می‌کند که چرا خدا از ما می‌خواهد عیسی را تجلیل کنیم:

«این فکر را در خود داشته باشید که در مسیح عیسی نیز بود، زیرا او که در صورت خدا بود، برابری با خدا را دزدی ندانست. بلکه خود را هلاک کرد و به صورت بنده درآمد و شبیه انسان شد. و او که به شکل انسانی شناخته شد، خود را فروتن کرد و تا سرحد مرگ، حتی مرگ بر صلیب، مطیع شد. از این رو خدا نیز او را بسیار تعالی بخشید و نامی را که بالاتر از هر نامی است به او داد تا به نام عیسی هر زانویی در آسمان و زمین و زیر زمین تعظیم کند و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند است. جلال خدای پدر.» فیلیپیان 2: 5-11

قسمت بالا دلیلی را نشان می‌دهد که چرا خدا از ما می‌خواهد که عیسی را تجلیل کنیم. توجه داشته باشید که این قطعه بر قربانی عیسی تأکید دارد:

«او که در قالب خدا بود... خود را نابود کرد و به شکل یک بنده درآمد

...

به شکل انسانی شناخته شد، خود را فروتن کرد،

مطیع شدن تا سرحد مرگ، حتی مرگ بر صلیب.»

این متن مراحل تحقیر عیسی را به ما نشان می دهد:

1- با قرار گرفتن در عالی ترین مقامی که موجودی غیر از خدا می توانست در عالم باشد، خود را نابود کرد و انسان شد و به صورت بنده درآمد.

2- او که در قالب انسان شناخته شده بود، از قبل در قالب انسان بود، خود را فروتن کرد

3- او تا سرحد مرگ مطیع بود، حتی مرگ بر صلیب.

داستان بر روی صلیب به پایان می رسد، زیرا قربانی مسیح بر روی صلیب به بالاترین سطح خود رسید. دیگر کاری نمی توانست بکند. هیچ راهی وجود نداشت که این فداکاری بیشتر از این باشد.

فروود آمدن از بالاترین مکان در بهشت، رسیدن به پست ترین جای جهان، آلوده به گناه و تاریکی، خود را با موجودات کم ارزش اخلاقی عالم، مردانی که دشمن خدا هستند، خود را در برابر این مردان دلیل می کند. و در حضور آنها جان خود را ببخشد بدون اینکه آنها به رسمیت شناخته شوند، به تحقیرآمیزترین شکل اعدامی که تاکنون شناخته شده است. پس از گزارش قربانی عیسی، متن اعلام می کند که به همین دلیل بود که خداوند او را تجلیل کرد:

"بنابراین خدا نیز او را بسیار تجلیل کرد و نامی را که بالاتر از هر نامی است به او داد..." فیلیپیان 2:9

عبارت «به همین دلیل» در متن بالا نشان می دهد که به دلیلی که در آیات قبل ارائه شد (قربانی شدن مسیح در خروج از بارگاه های آسمانی و دادن خود برای انسان) بود که خداوند او را تعالی بخشید. خود پولس که مطیع اراده الهی بود، قربانی مسیح را که بر روی صلیب به پایان رسید، مهمترین موضوع موعظه خود کرد:

«ما مسیح مصلوب را موعظه می کنیم، برای یهودیان سدی است، برای غیریهودیان حماقت...»  
زیرا تصمیم گرفتیم در میان شما چیزی جز عیسی مسیح و او مصلوب شده ندانم. « اول قرن تیان 2:2; 1:24

و خدا از ما انتظار دارد که عیسی را به همان دلیلی که او و پولس او را تمجید کردند، تجلیل کنیم. توجه داشته باشید که آیا ما عیسی را به عنوان خدا می شناسیم یا نه، ربطی به عدم تجلیل او به گونه ای که خدا از ما انتظار دارد که او را ستایش کنیم، ندارد. اگر ما عیسی را به عنوان پروردگار زندگی خود بشناسیم و او را به این دلیل تجلیل کنیم، به او ادای احترام می کنیم که خدا از ما انتظار دارد به او بدهیم، حتی اگر از کلام می بینیم که فقط یک خدا وجود دارد، پدر.

در فصل قبل دیدیم که کلام خدا نشان می دهد که تنها یک خدا وجود دارد و این پدر عیسی مسیح است. پس در مورد شخص عیسی قبل، حین و بعد از تجسم او چه می توانیم بگوییم، اگر او مانند پدرش «خدا» نیست؟ در این فصل به این موضوع خواهیم پرداخت - مسیح دیروز، امروز و برای همیشه.

-در ابتدا -پسر خدا

در اولین آیه انجیل یوحنا، وضعیت عیسی در ابتدای همه چیز، قبل از شروع کار خلقت جهان به تصویر کشیده شده است. وفادارترین ترجمه از یونانی اصلی این است:

«در ابتدا کلمه بود و کلمه در خدا بود و خدا کلمه بود. او در ابتدا در خدا بود» یوحنا 1: 1 (ترجمه صادقانه به یونانی اصلی)

آنچه متن می گوید این است که در آغاز، عیسی در درون خدا بود - به همین دلیل است که می گوید: "کلمه در خدا بود". چگونه می تواند این باشد؟ ساده:

کتاب مقدس در بسیاری از آیات تکرار می کند که عیسی «پسر خدا» است، عیسی خودش این را گفت: «من اعلام کردم: من پسر خدا هستم» یوحنا 10:36 طبق کلام خدا، پسر فقط «پسر» است زیرا از پدرش زاییده شده است. کتاب مقدس از واژه «زایید» برای اشاره به فرزندان طبیعی و مشروع استفاده می کند - به مثال پیدایش 3:5 نگاه کنید:

«آدم صد و سی سال زندگی کرد و پسری به شباهت خود به وجود آورد و او را شیث نامید» پیدایش 3: 5

هفت به معنای واقعی کلمه پسر آدم بود، زیرا از پیوند او با حوا، همسرش به دنیا آمد. کلام خدا از کلمه "متولد" برای توصیف شیث به عنوان پسر واقعی آدم استفاده می کند. هر کسی که بخواهد می تواند کل فصل 5 پیدایش، و همچنین تمام قسمت های دیگری را که در آن کتاب مقدس نسب نامه ها (سوابق نام والدین و فرزندان مربوطه آنها) را ذکر می کند، بخواند تا خود تأیید کند که کلام خدا همیشه از این عبارت استفاده می کند. «beget برای اشاره به کودکان تحت اللفظی. در مورد شیث، در متنی که همین الان خواندیم، همچنان گفته می شود که او به «مثل آدم» پسر بوده است. این توصیف کتاب مقدس از یک پسر تحت اللفظی است. کتاب مقدس از همان فعل «به دنیا آمدن» استفاده می کند تا نشان دهد که عیسی پسر واقعی و مشروع خدا، پدرش است.

بیابید در عبرانیان 5: 1 ببینیم:

«زیرا من به کدام یک از فرشتگان گفتم: تو پسر من هستی، امروز تو را به دنیا آوردم؟ دوباره: آیا من پدر او خواهم بود و او پسر من خواهد بود؟ عبرانیان 5: 1

همانطور که خداوند حوا را از دنده ای که در بلندی سینه آدم است شکل داد، مسیح نیز از سینه پدر آمد، خود عیسی گفت که از جانب پدر آمده است - ببینیم:

بیابید یوحنا 8: 17 را بخوانیم. در آنجا عیسی گفت: «آنها... می دانستند که من از جانب تو آمده ام» یوحنا 8: 17

می بینیم که خود عیسی گفت که از پدر آمده است، یعنی از او زاده شده است، همانطور که یک پسر مشروع از پدرش در اینجا روی زمین زاییده می شود.

برخی فکر می کنند که عیسی تنها زمانی که به زمین آمد و از مریم به دنیا آمد به عنوان پسر متولد شد. اما عیسی به پیلطس گفت که او قبل از آمدن به این دنیا به دنیا آمد - در یوحنا 18:37 بخوانید:

عیسی پاسخ داد: تو می گویی که من یک پادشاه هستم. من برای این به دنیا آمدم و برای این به دنیا آمدم.» یوحنا 18:37

اول می گوید به دنیا آمده است، بعد می گوید به دنیا آمده است. بنابراین، او خود نشان می دهد که قبل از آمدن به این جهان در آنجا در بهشت متولد شده است.

-او به صورت خدا وجود داشت

زیرا صفات نامرئی خدا و همچنین قدرت ابدی او و همچنین الوهیت خود او از آغاز جهان به وضوح شناخته می شوند و از طریق چیزهایی که خلق شده اند درک می شوند. رومیان 1:20

آیه فوق به ما نشان می دهد که حتی الوهیت را می توان از طریق چیزهایی که خلق شده است درک کرد. بنابراین، برای درک بهتر رابطه بین پدر و پسر، عیسی، کتاب مقدس از ما دعوت می کند تا رابطه بین پدر و پسر را که از طریق آثار خلق شده وجود دارد، تجزیه و تحلیل کنیم. بنابراین، هیچ چیز بهتر از تجزیه و تحلیل رابطه بین والدین و فرزندان انسان نیست، زیرا نسل بشر شاهکار خلقت خداوند است. ما از این به بعد از این مقایسه استفاده خواهیم کرد تا بتوانیم ماهیت و شخصیت پسر خدا را بهتر درک کنیم.

ما می دانیم که یک پسر انسان واقعی دارای بدنی همسان با پدرش است. پدر و مادر از گوشت و خون ساخته شده اند و فرزندان انسان نیز از این طریق متولد می شوند. با استفاده از مقایسه پیشنهاد شده در رومیان 1:20، که در بالا خواندیم، می توان مطمئن بود که به همان ترتیبی که فرزندان انسان دارای بدنی همسان با پدرشان (گوشت و استخوان) هستند، پسر الهی نیز به دنیا آمد. بدنی از همان طبیعت پدرش. و ما این حقیقت را به وضوح در کلام خدا آشکار می کنیم:

«مسیح عیسی، زیرا او که در قالب خدا بود، برابری با خدا را دزدی نمی دانست» فیلی. 6، 2:5

کلمه "شکل" در متن بالا برای بیان این واقعیت به کار می رود که عیسی مسیح، زمانی که در بهشت بود، همان شکل جسمانی خدا، پدرش را داشت، یعنی مانند پسر، بدنی با همان طبیعت داشت. به عنوان بدن پدرش، ما نمی دانیم و امروز به ما داده شده است که از چه ماده ای تشکیل شده است. اما کتاب مقدس روشن می سازد که بدن پدر و پسر قبل از آمدن مسیح به زمین دارای ساختار یکسانی بودند.

-جوانتر از پدرش

می دانیم که هر فرزند پدر انسان از پدرش کوچکتر است. همانطور که انسان، کار آفریده شده، خدا را آشکار می کند، می دانیم که عیسی مسیح، پسر نیز باید از خدا، پدرش کوچکتر باشد. و می بینیم که این چیزی است که کتاب مقدس آشکار می کند. توجه داشته باشید که او در مورد "عصر" پدر و پسر می گوید:

درباره پدر:

«پیش از زاده شدن کوهها و تشکیل زمین و جهان، از ازل تا ابد تو خدایی». مزامیر 90:2

متن بالا نشان می دهد که از ازل تا ابد، خدا از قبل وجود داشته است، یعنی هرگز موقعیتی وجود نداشته است که در آن خدا وجود نداشته باشد.

درباره پسر:

«و تو ای بیت لحم افراتا، کوچکتر از آن که بتوانی به عنوان گروهی از هزاران یهودا ظاهر شوی، از جانب تو به سوی من خواهد آمد که در اسرائیل پادشاهی خواهد کرد که منشأ آن از زمان های قدیم، از ایام ابدیت است.» میکاه 5:2

متن بالا پیشگویی در مورد عیسی است. او می گوید که عیسی در ایام ابدیت پدید آمد. به تفاوت ارائه شده بین پدر و پسر توجه کنید:

پدر: «از ازل تا ابد، تو خدایی» ص. 90:2

پسر: «که منشأ... از روزگار ازل» میق. 5:2

بدیهی است که پدر بر پسر مقدم است. بر خلاف پدر، که همیشه وجود داشت، پسر در ابدیت سرچشمه گرفت.

-شخصیتی مشابه پدرش

پسر انسان ویژگی های شخصیتی را از پدرش به ارث می برد. به عنوان مثال، ما شاهد بسیاری از موارد کودکانی هستیم که در نهایت به دلیل سیگار کشیدن والدینشان سیگار می کشند. آنها تمایلات شخصیتی را از والدین خود به ارث می برند. اگرچه ممکن است در انتقال ویژگی های شخصیتی از والدین انسان به فرزندانشان نقصی وجود داشته باشد، از آنجایی که مردان ناقص هستند، نمی توانیم باور کنیم که در انتقال ویژگی های شخصیتی از خدا به پسرش نقصی وجود داشته باشد. این به این دلیل است که خداوند کامل است. وقتی متن عبرانیان را می خوانیم، می بینیم که این اعتقاد تأیید می شود:

« خدا که در گذشته سخن گفته است... در این روزهای آخر، به وسیله پسر با ما سخن گفته است ... او که روشنایی جلال و مظهر دقیق وجود اوست» عبرانیان 3-1: 1

اصطلاح «بیان دقیق» که در متن بالا استفاده شده است به چه معناست؟ کلمه "دقیق" به معنای "کاملاً وفادار" است. پس می فهمیم که با گفتن اینکه پسر بیان دقیق «هستی» پدر است، کلام خدا می خواهد به ما بفهماند که پسر بیان یا بازتولید کاملاً صادقانه شخص (یا هستی) است. این شامل شکل فیزیکی و شخصیت است. شخصیت پسر با شخصیت پدر برابر بود، قانون خدا بیان شخصیت اوست. همچنین بیان شخصیت پسر را دارد. شخصیت پسر با شریعت خدا برابر است و با آن قداست و قداست دارد. به همین دلیل است که پسر می تواند خود را به پرداخت جریمه قانون نقض شده پیشنهاد دهد. با قربانی کردن پسرش بر روی صلیب برای مردان گناهکار، تمام جهان می توانست شهادت دهد که به خاطر شخصیت او، بهایی درخور آنچه قانون می خواست پرداخت شد، و خداوند می تواند بدون تشدید قانون خود، گناهکار را ببخشد و بازخرد.

-پسر وارث



هر کودک انسانی، برحسب حق تولد، وارث دارایی های پدرش است.

خدا مالک و خالق همه چیز است، و کتاب مقدس اعلام می کند که خدا عیسی، پسر خود را وارث همه چیز قرار داد:

«خدا... در این روزهای آخر به وسیله پسرش که او را وارث همه چیز قرار داده است با ما سخن گفته است» عبرانیان 1:2

به عنوان پسر تحت اللفظی، پدر، عیسی، پسر خود، وارث همه چیز را تشکیل داد. همانطور که آموزه تثلیث می گوید، اگر عیسی با پدر برابر و ابدی بود، نیازی نبود که خدا او را وارث همه چیز قرار دهد، زیرا او قبلاً به اندازه پدر مالک بود.

#### -وارث نام پدرش

پسری که در این زمین متولد می شود، نام پدر زمینی خود را به ارث می برد. برای مثال، طبیعی است که فکر کنیم آقای سیلوا جونیور این نام را دارد زیرا او پسر آقای سیلوا، پدرش است. از آنجایی که این یک اصل کتاب مقدسی است که نظم طبیعی اشیاء آفریده شده حتی الوهیت را آشکار می کند (رومیان 1:20)، می توانیم بدانیم که همین امر باید در مورد عیسی مسیح و خدا، پدرش نیز صادق باشد. کتاب مقدس؟ اجازه بدید ببینیم:

«خدا که در زمانهای گذشته و به طرق مختلف توسط انبیا با پدران سخن گفته است، در این روزهای آخر به وسیله پسرش با ما سخن گفته است که او را وارث همه چیز قرار داد... به همان اندازه که از فرشتگان برتری یافت. نام عالی تر از آنها»

عبرانیان ۱، ۲، ۴

متن بالا می گوید که خدا عیسی را وارث همه چیز قرار داد، و به عنوان دلیلی بر اینکه این شامل نام خودش نیز می شود، بیان می کند که عیسی، پسرش، «نامی عالی تر» از فرشتگان به ارث برد. متن دیگری حتی نامی را که عیسی به ارث برده است به وضوح نشان می دهد.

بیباید در آن کلماتی را که خداوند به موسی فرمود:

«سپس خدا همه این سخنان را گفت: ... اینک من فرشته ای را پیش روی شما می فرستم تا شما را در راه نگرهبانی کند و شما را به مکانی که آماده کرده ام برساند. از او بپرهیزید و صدای او را بشنوید و بر او عصیان نکنید که او گناه شما را نخواهد بخشید. زیرا نام من در اوست.» خروج 21، 20، 20:1

پدر با اشاره به عیسی به عنوان فرشته خود، به موسی می گوید: "نام من در او است." خدا خودش روشن کرد که عیسی نام او را به ارث برده است: «خدا». این باعث نمی شود که عیسی خدا باشد.

داشتن نام پدر به معنای پدر بودن نیست، موافقید؟ من پدرم نیستم؛ پدر من یک نفر است و من یک نفر، اما نام او را به ارث برده ام. در مورد عیسی نیز همین اتفاق می افتد. این واقعیت که عیسی نام پدرش را به ارث برده است، متون متعددی را در کتاب مقدس توضیح می دهد که اگر با دقت خوانده نشود، می تواند خواننده را گمراه کند که فکر کند کتاب مقدس عیسی را به عنوان «خدا» معرفی می کند.

ما آنها را در اینجا معرفی می کنیم:

«زیرا برای ما فرزندی به دنیا آمد، پسری به ما عطا شد. حکومت بر دوش اوست. و نام او خواهد بود: مشاور شگفت انگیز، خدای توانا، پدر جاودان، شاهزاده

صلح؛" اشعیا 6: 9

متن بالا در مورد عیسی صحبت می کند. توجه داشته باشید که او می گوید که «اسم او» «خدای توانا» خواهد بود. نمی گوید که "او خدای قوی خواهد بود". آنچه متن ثابت می کند این است که عیسی به عنوان پسر، نام پدرش را به ارث برده است و نه اینکه او یک خداست.

«اینک باکره آبستن می شود و پسری به دنیا می آورد و او را عمانوئیل (یعنی خدا با ما) می نامند.» متی 1:23

متن بالا همچنین در مورد عیسی صحبت می کند. توجه داشته باشید که می گوید "او با نام عمانوئیل (خدا با ما) خوانده خواهد شد". نمی گوید که او با ما خدا خواهد بود. مورد همانند مورد اشعیا 6: 9 است که آن را تحلیل کردیم.

-روی زمین -پسر انسان

کتاب مقدس می گوید که خدا بدنی را تشکیل داد که عیسی در آن متولد خواهد شد:

«قربانی و پیشکش نخواستی؛ اما تو مرا بدنی ساختی» عبرانیان 10:5

روح گرایی موعظه می کند که یک موجود می تواند بدنی به خود بگیرد. ما این را باور نداریم، زیرا کتاب مقدس چنین نمی گوید. بنابراین، از آیه بالا نمی توان فهمید که عیسی با بدن خدا، مانند بدنی که در بهشت داشت، وارد بدن انسان شد تا در یک بدن دو بدن وجود داشته باشد - یکی فعال (انسان). و غیرفعال (الهی) که گاه ظاهر می شد، مانند استحاله. این مفهوم، اگرچه بسیاری آن را نمی دانند، معنویت گرایانه است. اکثر مردم معتقدند که این بسیار شبیه است، اما این چیزی نیست که کلام خدا آشکار می کند. بر اساس مکاشفه کتاب مقدس، این واقعیت که خداوند برای عیسی در رحم مریم بدنی تشکیل داد، نشان می دهد که عیسی به عنوان یک مرد متولد شده است. جسم الهی که قبل از آمدن به زمین در آسمان داشت، به کلی نابود شد.

وجود نداشت این همان چیزی است که کلام خدا در فیلیپیان به ما می گوید - ببینید:

«این فکر در شما باشد، همانطور که در مسیح عیسی نیز بود، که چون در صورت خدا بود، آن را دزدی برابر با خدا نمی دانست. اما او خود را هلاک کرد و به شکل یک خادم درآمد و شبیه انسان شد.» فیلیپیان 2: 5-7 (المیدا مکاشفه و ترجمه تصحیح شده)

لغت «نابود» به معنای «تخریب کردن، کاهش دادن» است. بنابراین، اصطلاح «خود را هلاک کرد» در آیه بالا به این معنی است که بدن عیسی، از همان طبیعت پدر، نابود شد و به هیچ شد. خدا، پدر، برای همیشه از داشتن پسری با بدنی مانند او دست کشید، زیرا آن بدن از بین رفت و به هیچ شد. عیسی تنها پسر خدا بود. بنابراین، پدر دیگر هرگز پسری نخواهد داشت که بدن او منعکس کننده بدن او باشد، تا ابدیت. قسمت فیلیپیان نشان می دهد که عیسی به شکل «خدمتی که به شکل انسان ساخته شده بود» به خود گرفت. از زمان تجسم به بعد، عیسی فقط دارای بدن انسانی خواهد بود و به معنای واقعی کلمه یک انسان خواهد بود. پدر پسرش را دوست خواهد داشت، نه دیگر به عنوان کسی که بدن فیزیکی او را منعکس می کند، بلکه به عنوان پسری از منشأ خود (از آنجایی که از پدر متولد شد) با بدنی انسانی. او نسل بشر را در شخص پسرش خواهد دید.

این واقعیت را توضیح می دهد که عیسی در بسیاری از موارد، زمانی که روی زمین بود، پسر خدا و پسر انسان نامیده شد. ما در اینجا فقط دو قسمت را به عنوان نمونه ذکر می کنیم:

«سپس کسانی که در قایق بودند آمدند و او را پرستش کردند و گفتند: تو هستی

واقعا پسر خداست.» متی 14:33

عیسی به آنها گفت: شما گفتید . اما من به شما می گویم که به زودی پسر انسان را خواهید دید  
در دست راست حق تعالی نشسته و بر ابرهای آسمان می آید.» متی 26:64

از نظر منشأ، عیسی همیشه پسر خدا خواهد بود، زیرا او توسط پدرش خلق شده است. هنگامی که برای اولین بار به وجود آمد، از او متولد شد. اما، از طریق تجسم، او به "پسر انسان" تبدیل شد و بدنی انسانی داشت. او نمی توانست دوباره بدن پسر خدا را داشته باشد، همانطور که کلام خدا در فیلیپیان 2: 6 به ما می گوید که نابود شد (نابود شد). توجه داشته باشید که در آیه متی 26:64 که همین الان خواندیم، عیسی می گوید که برای دومین بار به عنوان پسر انسان به زمین بازخواهد گشت:

« به زودی پسر انسان را خواهید دید که در دست راست قادر مطلق نشسته و بر ابرهای آسمان می آید.» متی 26:64

ما می بینیم که عیسی به وضوح بیان کرد که حتی زمانی که برای بار دوم به زمین بازگردد، باز هم پسر انسان خواهد بود.

-به عنوان یک مرد، او نمی توانست هیچ کاری برای خودش انجام دهد

تا اینجا مشخص است که عیسی در زمانی که روی زمین بود بدنی شبیه بدن ما داشت. اما آیا او مقداری قدرت ماورایی خواهد داشت که ما نداریم؟ آیا او نوعی «خدا -انسان» با قدرتهای ویژه خواهد بود؟ بیایید ببینیم عیسی در زمانی که روی زمین بود در مورد خودش چه گفت:

"من به تنهایی نمی توانم کاری انجام دهم" یوحنا 5:30

خودش هم گفته بود که هیچ کاری از دستش بر نمی آید. درست مثل ما که هیچ کاری از خودمان نمی توانیم بکنیم، او هم همینطور بود. پس چگونه عیسی معجزات خود را انجام داد و مردم را شفا داد؟ بیایید قسمتی از اعمال رسولان را بخوانیم:

«ای مردان اسرائیل، به این سخنان گوش دهید: عیسی ناصری، مردی که خدا در حضور شما با معجزات، شگفتیها و نشانههایی مورد تأیید قرار داده است، که خود خدا بوسیله او در میان شما انجام داد، چنانکه خود می دانید» اعمال رسولان 2:22

و عیسی گفت:

«کلماتی را که با شما می گویم، از خودم نمی گویم. پدری که در من می ماند، اعمال خود را انجام می دهد.» یوحنا 14:10

از آیات بالا می بینیم که این خدا، پدر عیسی بود که معجزات را از طریق او انجام داد. ما خودمان نمی توانیم مردم را شفا دهیم و معجزه کنیم. عیسی هم نمی توانست. بدیهی است که عیسی در زمانی که اینجا روی زمین بود، مانند ما انسانی محدود بود. و اینکه آیا او می تواند معجزات و اعمال رحمانی را با قدرت خدا انجام دهد که با ایمان دریافت کرده است، اگر او کاملاً مطیع قانون بود

از قدرت پدر، که او را در زمانی که روی زمین زندگی می کرد، تقویت کرد. ما نیز می توانیم هر ده فرمان را همانطور که او انجام داد، حفظ کنیم و از طریق ایمان به او، قدرت خدا را دریافت کنیم. با ایمان به عیسی، می توانیم مانند او کامل باشیم.

-پس از قیامت -مردی از گوشت و استخوان

وقتی عیسی زنده شد، آیا او همچنان یک انسان بود و بدنی انسانی داشت، یا با بدن دیگری به حیات خود ادامه داد؟ بیایید ببینیم پس از قیامت هنگام ظهور بر شاگردان چه گفت:

«هنوز اینها را می گفتند که عیسی در میان آنها ظاهر شد و به آنها گفت: درود بر شما! اما آنها متعجب و وحشت زده باور کردند که روحی را می بینند.

اما او به آنها گفت: چرا مضطرب هستید؟ و چرا شک و تردید در دل شما پدید می آید؟ دست و پایم را بین که من هستم. مرا احساس کن و بررسی کن، زیرا روح گوشت و استخوان ندارد، همانطور که می بینی که من دارم. با گفتن این سخن، دست و پای خود را به آنها نشان داد.» لوقا 24:36-40

خود عیسی وقتی پس از رستاخیز بر شاگردانش ظاهر شد گفت که او مردی از گوشت و خون بود. و در نامه به تیموتائوس، پولس اعلام می کند که عیسی امروز در بهشت مردی است و به عنوان واسطه ما کار می کند:

«زیرا یک خداست و یک واسطه بین خدا و انسانها، یعنی انسان مسیح عیسی.» اول تیموتائوس 2:5

---

بنابراین، بین خدا، پدر آسمانی ما، و ما، فرزندان او، یک واسطه، یک انسان، عیسی مسیح وجود دارد. او طبق کلام یک مرد است و به عنوان یک انسان امروز در بهشت برای ما شفاعت می کند. پولس رسول به روشنی بیان می کند که از تماس با ما خجالت نمی کشد -

مردان -از برادران -رجوع کنید به عب. 2:11 و 17:

او خجالت نمی کشد که آنها را برادر خطاب کند...

شایسته بود که او در همه چیز مانند برادران خود شود تا در امور مربوط به خدا یک کاهن اعظم وفادار باشد.» عبرانیان ۱۷، ۲:۱۱

بنابراین، امروز ما یک برادر از نژاد خود داریم که از جانب ما نزد خدا شفاعت می کند -مرد عیسی مسیح.

-تمام پری الوهیت در او ساکن است

"مسیح؛ زیرا تمام پری الوهیت جسمانی در او ساکن است."  
کولسیان ۲:۸، ۹

متن بالا توسط پولس پس از رستاخیز عیسی نوشته شده است. بسیاری از آن به عنوان دلیلی استفاده می کنند که عیسی امروز، در آسمان، همراه با پدر، خدا خواهد بود. این به این دلیل است که متن می گوید که در مسیح «تمام پری الوهیت» ساکن است. اما آیا این همان چیزی است

آیا خدا می خواهد ما بفهمیم؟ ما تاکنون دیده‌ایم که کتاب مقدس به وضوح نشان می‌دهد که عیسی امروز مردی در بهشت است. متن بالا نمی تواند با آنچه که کلام خدا قبلاً نازل کرده است در تضاد باشد. خدا خدای سردرگمی نیست. ما فقط می توانیم از متن بالا بفهمیم که عیسی خداست و به مکاشفه خود کتاب مقدس که در قسمت های دیگر آمده است بی احترامی می کند. بنابراین، بدیهی است که معنای متن فوق متفاوت است. درک این قطعه که با کلام خدا هماهنگ است چیست؟ با مقایسه با یک قطعه دیگر می توانیم به آن برسیم. کتاب مقدس می گوید که ما می توانیم از کمال خدا پر شویم:

«تا بتوانید با همه مقدسین عرض و طول و ارتفاع و عمق را درک کنید و محبت مسیح را که از دانش فراتر است بشناسید تا از تمام پری پر شوید. از خدا.» افسسیان 19، 3:18

---

با توجه به آیه فوق، ما انسان ها می توانیم از «همه» پری خدا پر شویم. کلمه "toda" از مونث "todo" است که به معنای کامل، کامل است که چیزی را از قلم نمی‌گذارد. سپس آیه به این معناست که ما را می توان از کمال کامل خدا گرفت. با این حال، ما می دانیم که، حتی اگر این وعده کتاب مقدس در زندگی ما محقق شود، ما به خاطر آن خدا نخواهیم شد.

ما مرد خواهیم ماند، اما چیزی که به دست می آوریم این است که شخصیت یا قدوسیت خداوند به طور کامل در زندگی ما متجلی خواهد شد. متن بالا بیانگر آرزوی خدا برای گرفتن و تسخیر شدن ما از تمام اقدس او است. این داشتن تمام پری خداست.

اکنون به مثال عیسی بازگردیم. متن می گوید که تمام پری الوهیت در او ساکن است. ما از مکاشفه سایر قسمت های کتاب مقدس می دانیم که او امروز مانند ما مردی از گوشت و خون است. ما همچنین می دانیم که خدا عیسی را به عنوان نمونه ما قرار می دهد. اگر آرزوی خدا برای ما این است که ما از کمال قدوسیت او پر شویم، به این دلیل است که عیسی یقیناً از کمال قدوسیت او پر شده بود. خداوند چیزی از ما نمی خواهد که عیسی به آن نرسیده باشد. در اینجا به راهی می رسیم که از طریق آن می توانیم متن کولسیان 9، 8: 2 را بدون اعمال خشونت به سایر قسمت های کتاب مقدس که تأیید می کند عیسی مرد است، درک کنیم. وقتی می‌گویید در عیسی کمال الوهیت ساکن است، خداوند به این واقعیت اشاره می‌کند که در عیسی، کمال قدوسیت او ساکن است. اگر متن کولسیان 9، 8: 2 را به دقت تحلیل کنیم، می بینیم که منظور پولس در رابطه با قدوسیت مسیح بود، نه به این واقعیت که ثابت کند یا نه که او «خدا» است:

«اکنون همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اید، در او سیر کنید، در او ریشه کنید، بنا شده و در ایمان استوار شوید، همانطور که به شما تعلیم داده شد و در شکرگزاری رشد کنید. مواظب باشید که هیچ کس شما را با فلسفه و ظرافت های بیهوده خود گرفتار نکند، طبق سنت مردم، طبق اصول اولیه جهان و نه بر اساس مسیح. زیرا تمام پری الوهیت جسمانی در او ساکن است.» کولسیان 9-6: 2

توجه داشته باشید که توصیه پولس به کولسیان در آیه بالا با این هدف است که آنها از الگوی عیسی پیروی کنند، تا آنجا که می گوید:

"همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفتید، در او رفتار کنید... همانطور که به شما تعلیم داده شده است." کولسیان 7، ۲:۶

در ادامه متن، پولس آنها را تشویق می کند که از الگوی مسیح منحرف نشوند:

"مراقب باشید که هیچ کس شما را به دام فلسفه و نیرنگ بیهوده خود نیندازد... طبق اصول جهان و نه بر اساس مسیح" کولسیان 2: 8

سپس پولس دلیل عدم انحراف آنها از مثال مسیح را ارائه می دهد - زیرا در اوست که کمال قدوسیت در او ساکن است (معنای کلمه الوهیت در متن):

«زیرا تمام پری الوهیت جسمانی در او ساکن است.» کولسیان 2:9

از آنجایی که عیسی الگوی قدوسیت ماست، ما فقط با اقامت در او می توانیم شخصیت خود را بر اساس معیار تقدس شکل دهیم. این همان چیزی است که پولس بعداً در متن به عبارت دیگر می گوید، وقتی روشن می کند که با اقامت در او است که ما کامل می شویم:

"در او نیز کامل شده اید." کولسیان 2:10

ببینید که کلمه "الوهیت" به عنوان چیزی که ما باید به آن برسیم به مسیح نسبت داده می شود. پولس می گوید که ما نباید از مسیح منحرف شویم زیرا پری الوهیت در او ساکن است و اگر در مسیح بمانیم کامل شده ایم. اگر کلمه «الوهیت» با هدف نشان دادن خدا بودن عیسی به کار می رفت، پولس آرزوی دست نیافتنی را به انسان ارائه می کرد، زیرا هر چقدر هم که انسان در مسیح بماند، هرگز خدا نخواهد شد. بزرگترین دروغی که تا به حال به یک انسان گفته شد، دروغ مار به حوا بود که او می تواند با خدا برابر باشد (پیدایش 5: 3 را ببینید). این غیر ممکن است.

### فصل 3 غسل تعمید / نتیجه گیری

-تعمید در متی 28:19

«پس بروید و همه امتها را شاگرد سازید و آنها را به نام پدر و خدا تعمید دهید.  
پسر و از روح القدس»

اگرچه این متن، همانطور که در انجیل های امروزی ارائه شده است، ثابت نمی کند که بیش از یک خدا، پدر وجود دارد (از آنجایی که این موضوع در متن به آن پرداخته نمی شود)، بسیاری از مردم از آن به عنوان شاهی استفاده می کنند که ما باید به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهیم. با این حال، وقتی انجیل لوقا را مطالعه می کنیم، می بینیم که همان دستور عیسی برای شاگردسازی که در متی 28:19 آمده است، در مورد آن توضیح داده شده است.

با این حال، در متن لوقا، عیسی به آنها دستور می دهد که این کار را به نام او انجام دهند:

«عیسی ... فهم آنها را برای درک کتاب مقدس باز کرد. و به آنها گفت: «به این ترتیب نوشته شده است که مسیح رنج خواهد برد و در روز سوم از مردگان برخیزد»

تا به نام او توبه و آمرزش گناهان به همه ملتها از اورشلیم موعظه شود. « لوقا 24:44-47

ما اکنون یک دوراهی داریم که باید حل کنیم. در حالی که متی 28:19 به عیسی دستور می دهد که شاگردان را به نام سه نفر بسازند، لوقا به آنها دستور می دهد که برای آمرزش گناهان به نام عیسی توبه را موعظه کنند. کدام یک از این دو دستور واقعاً دستور عیسی بود؟  
متون اعمال رسولان مشکل را حل می کند، زیرا آنها گزارش می دهند که چگونه شاگردان از دستور عیسی اطاعت کردند و برای اطاعت از آنها برکت خدا را دریافت کردند. بخوانیم:

«و پطرس به آنها گفت: توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمید دهید و عطای روح القدس را دریافت خواهید کرد. ... پس کسانی که با کمال میل کلام او را پذیرفتند، تعمید یافتند. و در آن روز تقریباً سه هزار روح اضافه شد. ...

ترس در هر جانی بود و عجایب و نشانه های بسیاری توسط رسولان انجام می شد. اعمال رسولان ۴۳، ۴۱، ۲:۳۸

«و پطرس گفت: من نه نقره دارم و نه طلا، بلکه آنچه دارم به شما می دهم. به نام عیسی مسیح ناصری برخیز و راه برو. همه شما و تمامی قوم اسرائیل بدانند که به نام عیسی مسیح ناصری، کسی که او را مصلوب کردید و خدا او را از مردگان برخیزانید، به نام او در حضور شما تماماً ایستاده است.»

اعمال رسولان 4:10; 3:6

«اما چون به فیلیپ ایمان آوردند که ایشان را درباره ملکوت خدا و نام عیسی مسیح موعظه می کرد، زن و مرد تعمید یافتند.»  
اعمال رسولان 8:12

اما پولس مضطرب برگشت و به روح گفت: به نام عیسی مسیح به تو دستور می دهم که از او بیرون بیای. و فوراً بیرون رفت.»  
اعمال رسولان 16:18

«تا به نام عیسی هر زانو در آسمان و زمین و زیر زمین خم شود» فیلیپیان 2:10

مشخص است که کدام دستور انجام شد. هیچ موردی در کتاب مقدس گزارش نشده است که در آن تعمید، معجزه یا موعظه به نام پدر، پسر و روح القدس انجام شده باشد، همانطور که در متی 28:19 آمده است. همه از دستور لوقا برای موعظه به نام عیسی مسیح پیروی می کنند. آخرین متن بالا می گوید که در برابر "نام عیسی" است که هر زانویی خم خواهد شد - نه به نام پدر، پسر و روح القدس. بدیهی است که متی 28:19 برخی از مشکلات ترجمه را ارائه می کند، زیرا متن آن، همانطور که در انجیل مدرن می خوانیم، با کل کتاب مقدس هماهنگ نیست. برخی برای دفاع از اعتبار متی 28:19 همانطور که در انجیل مدرن آمده است، می گویند که در آن زمان همه چیز به نام عیسی انجام می شد زیرا در آن زمان نام عیسی موضوع بحث یهودیان و رسولان بود. با این حال، وقتی متن اعمال 19 را تجزیه و تحلیل می کنیم، این استدلال از بین می رود:

پولس... به افسس آمد و شاگردانی را در آنجا یافت و به آنها گفت: آیا هنگام ایمان آوردن روح القدس را دریافت کردید؟ و آنها به او گفتند: ما هنوز نشنیده ایم که روح القدس وجود دارد. سپس از آنها پرسید: پس در چه غسل تعمید می گیرید؟ و گفتند: «در تعمید یوحنا.» اما پولس گفت: «یحیی با تعمید توبه تعمید داد و به مردم گفت که به او که بعد از او خواهد آمد، یعنی به عیسی ایمان بیاورند.»

مسیح. و کسانی که شنیدند به نام خداوند عیسی تعمید یافتند. و چون پولس دست خود را بر آنها نهاد، روح القدس بر آنها نازل شد. و به زبانها سخن گفتند و نبوت کردند.» اعمال رسولان 6-19: 19

قسمت بالا به مورد برخی از ایمانداران در افسس مربوط می شود که از یحیی تعمید دهنده تعمید گرفته بودند. آنها به پولس گفتند: "ما حتی نشنیده ایم که روح القدس وجود دارد." بنابراین، بدیهی است که آنها به نام پدر، پسر و روح القدس آنطور که در متی 28:19 دستور داده شده است، تعمید نیافته اند. اگر آنها به نام آن سه تعمید می یافتند، قطعاً وجود روح القدس را می شنیدند. این متن همچنین گزارش می دهد که زمانی که این ایمانداران «به نام خداوند عیسی تعمید گرفتند» بود که «روح القدس بر آنها نازل شد» و به زبانها صحبت کردند و نبوت کردند. در اینجا آشکار می شود که خود بهشت فقط تعمید به نام عیسی را به رسمیت شناخت. واضح است که شاگردان در آن زمان به نام عیسی تعمید ندادند زیرا این نام مورد اختلاف یهودیان بود، بلکه آنها این کار را در اطاعت از دستور مسیح ارائه شده در لوقا - به نام عیسی - انجام دادند.

مؤمنان افسسی در غسل تعمید متفاوتی (در این مورد، غسل تعمید یوحنا) تعمید یافته بودند، اما تنها پس از تعمید به نام عیسی بود که قدرت را از بالا دریافت کردند. بهشت روح القدس را از طریق غسل تعمید غیر از آنچه عیسی دستور داده بود، ارسال نخواهد کرد. بنابراین، بدیهی است که عیسی دستور تعمید به نام خود را صادر کرده بود، و متن متی 28:19 همانطور که در انجیل امروزی آمده است، حاوی یک خطای ترجمه است، زیرا با چندین قسمت از کتاب مقدس موجود در آن هماهنگ نیست. کتاب اعمال رسولان، و همچنین با دستور عیسی ارائه شده در لوقا هماهنگ نیست. در واقع، نسخه باستانی اوسیوس قیصریه ای متن متی 28:19 را به گونه ای ارائه می کند که با حقیقت موجود در کتاب های لوقا و اعمال رسولان هماهنگ است:

### «پس بروید و شاگردان بسازید و آنها را به نام من تعمید دهید...» متی 28:19

توجه داشته باشید که برای درک اینکه متن متی 28:19 بد ترجمه شده است، نیازی به دانستن زبان اصلی و تحصیل الهیات نبود. مطالعه دقیق و دعاگونه، مقایسه متن با قسمتی از متون کتاب مقدس که به زبان خودمان داریم، ما را به حقیقت هدایت می کند. توجه داشته باشید که لازم نیست نشان دهیم که نسخه ایوسیبوس قیصریه ای که در بالا ارائه شد، بر اساس باستان شناسی یا تاریخ باستان، قابل اعتمادتر از نسخه هایی است که تعمید را به نام پدر، پسر و روح القدس ارائه می دهند. همان حقیقتی که در عبارات مربوط به موضوع ارائه شده است نشان می دهد که از بین دو نسخه، تنها روایت اوسیوس (تعمید آنها به نام من) است که می تواند صحیح باشد، زیرا با شهادت کتاب مقدس منافاتی ندارد. همین امر در مورد هر چیزی که در این کتاب ارائه شده است. خداوند وعده داده است که حقایق خود را به کودکان کوچکی که با دعا مطالعه می کنند نشان دهد. و هر بار حقیقتی که توسط اکثریت قریب به اتفاق متکلمان و رهبران بزرگ دینی مورد تردید، کافر و تحقیر قرار می گیرد توسط پیروان فروتن مسیح کشف می شود، سخنان استاد محقق می شود:

عیسی گفت: ای پدر، ای پروردگار آسمانها و زمین، از تو سپاسگزارم که این چیزها را از خردمندان و دانایان پنهان داشتی و به کودکان آشکار کردی. متی 11:25

بنابراین، اگر کشیشان، رهبران کلیسا، پزشکان الوهیت، و دیگر علما و واعظان مشهور کتاب مقدس، شهادت کتاب مقدس را نپذیرند، نگران نباشیم. اجازه ندهیم هیچ یک از این مردان و نه همه آنها با هم نفوذ کنند.



مرورید حقیقت کتاب مقدس را از دل ما بگیرید که پس از مطالعه پرشور با روزه و دعا کشف شده است. بگذارید کلام خدا تنها راهنمای ایمان و عمل ما باشد و نه تعالیم انسان. باشد که کتاب مقدس در مورد ما تحقق یابد:

«در انبیا نوشته شده است: و همه آنها از خدا تعلیم خواهند یافت.» یوحنا 6:45

کتاب مقدس باید اولین کتابچه راهنمای کودک باشد. والدین باید از این کتاب راهنمایی عاقلانه بدهند. کلام خدا باید قانون زندگی باشد. از طریق او، کودکان می آموزند که خدا پدر است. و از درسهای زیبای کلام او باید از شخصیت او آگاهی پیدا کنند.»

مشاوره برای والدین، معلمان و دانش آموزان، صفحات. 108 و 109.  
ما داریم